

شماره ۴

مهر ماه ۱۳۷۰

شرکت گروه کوپنوردی تهران



آفرین بر بچه‌های شهرستانی
● گزارش مسابقه انتخاب تیم ملی سنگ نوردی

مرد هشت هزار متر ایران

گفت و گونی با محمد جعفر اسدی نخستین ایرانی قایق بانسلی

نشریه اوج از نظر مالی درمضيقه قرار دارد . این مضيقه از این روست که ما از يك طرف برای بیش از ۵۰ گروه کوهنوردی کشورمان و سایر سازمانها و ارگانها ، نشریه را رایگان می فرستیم و باقیمانده را نیز فقط طبقه قیمت تمام شده در اختیار علاقمندان می گذاریم . چون ما " بولتن " هستیم و چاپ نشریه زیراکسی است ، بنابراین بهای تمام شده در سطح بالائی قرار دارد و قادر به ارائه آن روی میزها و کیوسک های مطبوعاتی و تقلیل قیمت تمام شده از طریق بالا بردن تیراژ نیستیم . بنابراین ، در شرایط موجود تا زمانی که موفق به اخذ مجوز نشریه ای برابر با استاندارد نشریه های کشور از وزارت ارشاد اسلامی نشویم ، تنها يك راه برای تداوم کار کنونی باقی می ماند و آن این است که گروههای کوهنوردی ، بهای تمام شده نشریه دریافتی را پرداخت کنند .

در صورتیکه به بقا ، و ادامه کار ما علاقمندید ، خواهشمنداست با تکمیل فرم زیر و واریز بها ، به حساب شماره ۹۷۸ بانک صادرات شعبه میدان اسد آبادی (یوسف آباد تهران) نشریه را در ادامه راهش همراهی فرمایید .

لطفاً اصل فیش بانک را به همراه فرم اشتراك زیر به آدرس نشریه : تهران ، صندوق پستی شماره ۷۱۵۸-۱۱۳۶۵ با پست سفارشی ارسال فرمایید . بهای هر شماره ۵۰۰ ریال می باشد ، نشریه فعلی بوده و به تعداد چهار نسخه در سال تولید می شود .

فرم درخواست اشتراك

نام (عنوان) فرد یا گروه یا موسسه :

شروع اشتراك از شماره برای مدت $\frac{\text{ششماه}}{\text{یکسال}}$ از تاریخ :

نشانی :

شهر :

.....

.....

.....

کد پستی : شماره تلفن :

اوج
بولتن گروه کوهنوردی تهران


زیر نظر: شورای نویسندگان

تکثیر: دفتر فنی اسودیان

صندوق پستی: ۷۱۵۸-۱۱۳۶۵

نشانی: ضلع جنوبی ورزشگاه شهید شیرودی - دفتر مشترک فدراسیونها - طبقه اول

گروه کوهنوردی تهران





فهرست

- مرد هشت هزار متر ایران
گفت و گوئی با محمد جعفر اسدی، نخستین ایرانی فاتح مانسلو ۲
- دانستی هائی درباره هیمالیا ۸
- آفرین بر بچه های شهرستانی
گزارش مسابقه انتخاب تیم ملی سنگ نوردی ۹
- من می خواهم روی مزرعه ام زندگی کنم
گفت و گوئی با پاتریک برمالت ۱۲
- با کمبود وسایل کوهنوردی چه باید کرد؟ ۱۵
- مهمات سازی، جرقه های امید بخش
آشنائی با گروه های کوهنوردی ۱۸
- گزارش برنامه را این طور تهیه کنیم ۱۹
- تابستان داغ امسال
رویدادها ۲۰
- کنگشت شعر و ادب ۲۲
- رنگین کمان ۲۴
- پاسخ به نامه ها ۲۶

روی جلد: جنبه شمالی قله مانسلو

شمنورده!

آیا در پاکیزگی کوه

و طبیعت سهمی

داشته ای؟

دسته جهانی

پاکسازی محیط

زیست را گرامی

بداریم

۲۶ سپتامبر = ۴ مهر

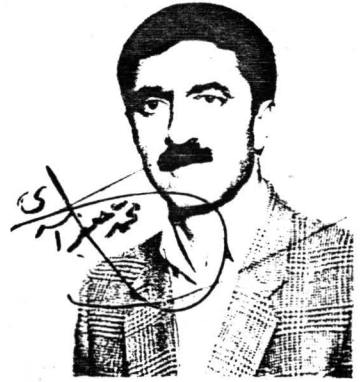
روز جهانی پاکسازی

کردستان

مرد هشت هزار متر ایران

گفت و گویی با

محمد جعفر اسدی نخستین ایرانی فاتح مانسلو



IRAN-JAPAN

NEPAL HIMALAYA JOINT EXPEDITION 1976.

سنگین خواهد داشت ولی با تدبیر و همفکری همه کوهنوردان می توان منابعی برای تامین آن پیدا کرد. امروزه به دلایلی چند شاید بتوان برنامه ها را ارزانتر هم تمام کرد.

انجام هر برنامه ای در منطقه هیمالیا درخور تحسین است و ما وظیفه خود می دانیم که در شناساندن این برنامه ها به جامعه کوهنوردی ایران بکوشیم.

امروزه شاید تکنیک کوهنوردی در هیمالیا نسبت به ده بیست سال گذشته تغییر کرده باشد و پیرمترته، برنامه های بسیار از گذشته اند: زمان و بار کمتر و سرعت بیشتر. اما این همه ما را از تجربه پیشکوتان بی نیاز نمی سازد.

تیم اعزامی به مانسلو نخستین تیم ایرانی بود که به قله های بلند هیمالیا دست یازید. به این خاطر سراغ سرهنگ محمد جعفر اسدی (عضو این تیم و نخستین ایرانی ای که ارتفاع بالای ۸۰۰۰ متر را پیمود) رفتیم.

وی دوست داشت که هموردان دیگرش نیز در این نشست شرکت داشته باشند زیرا بدون همت و تلاش همه اعضای تیم، صعود اوبه قله ممکن نمی بود.

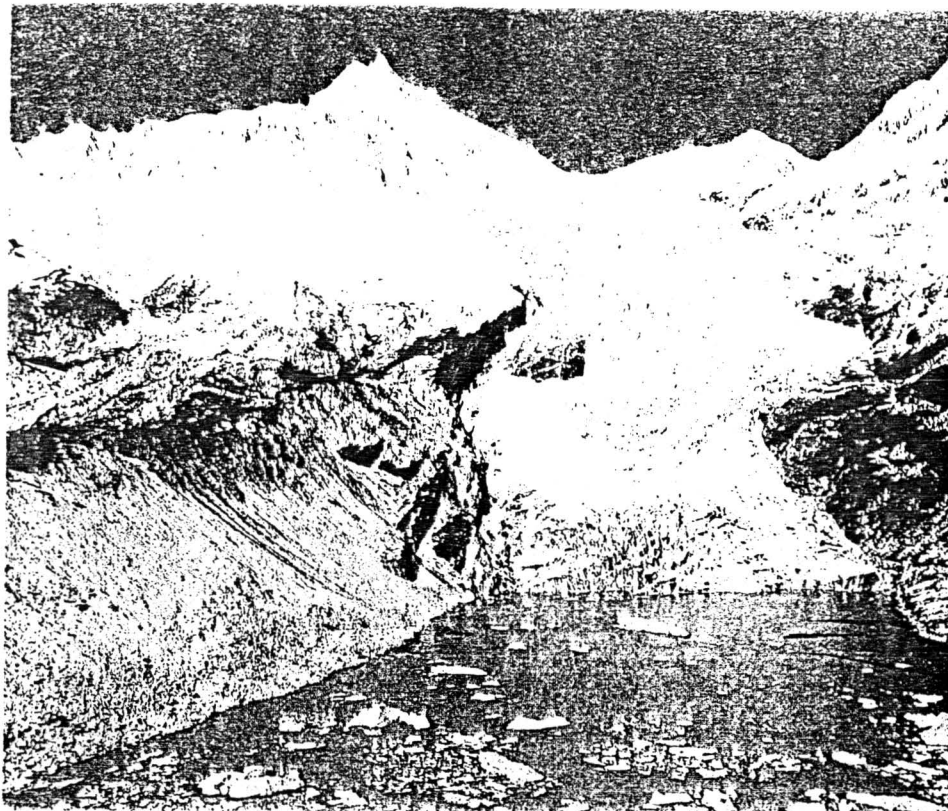
متأسفانه امکانات نشریه اجازه چنین نشستی را نمی داد. امیدواریم که در شماره های آینده بتوانیم این کار را انجام دهیم.

آنچه در زیر می خوانید گفتگویی صمیمانه با اسدی فاتح قله ۸۱۵۶ متری مانسلو است:

صعود به قله های بلند از هدف های اساسی کوهنوردان همه جهان است.

از آنجا که چنین برنامه هایی معمولاً "مستلزم برنامه ریزی، ارتباطات بین المللی و هزینه های نسبتاً زیاد است" فدراسیون های کوهنوردی کشورها در این زمینه نقشی اساسی دارند، این البته به خاطر نکته دیگری هم هست: صعود قله های بلند برای هر کشور افتخار آفرین و در نتیجه، تدارک هر برنامه خاص در منطقه هیمالیا به منزله یک برنامه ریزی ملی است. فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۹۹۵ قله اورست را رزرو کرده است. انجام این برنامه گامی بلند در تاریخ کار فدراسیون کوهنوردی ایران به شمار می رود. همه باید تلاش کنیم تا این برنامه به بهترین نحو اجرا شود و پرچم میهن ما برفراز بلندترین نقطه زمین به اهتزاز در آید.

امید که این برنامه سرآغازی برای بالا بردن سطح کوهنوردی ایران باشد و هر ساله تداوم یابد و گرنه به خودی خود یک حرکت صرفاً تبلیغاتی قلمداد خواهد شد که هیچ تناسبی با وضع موجود کوهنوردی کشور ما ندارد همچنان که سال ۱۳۵۶ پرچم ایران برفراز مانسلو (هفتمین قله بلند جهان) نشانده شد ولی هیمالیا نوردی در کوهنوردی ما جایی نیافت. پر روشن است که تدارک برنامه های منطقه هیمالیا هزینه ای



نام شرکت کنندگان در برنامه صعود مانسلو

(۱۹۷۶)

محمد خاکبیز

مختار مهدی زاده

علی محمد پور

یوسف هندی

قاسم راد فر

محمد بهزادی

محمد جعفر اسدی

جلال فروزان

جبهه شمالی مانسلو از کنار دریاچه یخی ←

اوج - دلیل تغییر برنامه چه بود ؟ چطور شد که به جای " دانولاگیری " ، قله " مانسلو " را انتخاب کردید ؟
در هیمالیا قله ها را فقط در دو فصل از سال (بهار و پاییز) صعود می کنند و در هر فصل فقط یک تیم به هر قله می رود . این جز ، مقرراتی است که کشور نپال رعایت می کند و چیز جالبی هم هست . استقلال برای همه گروهها همیشه جاذبه داشته و تیم ها جلوی دست و پای همدیگر را نمی گیرند .

شاید آن سالی که مورد نظر ما بود ، قله " دانولاگیری " را کسان دیگری رزرو کرده بودند . شاید هم علتش این بوده که کوه مانسلو اولین بار توسط خود ژاپنی ها صعود شده ، حتی به خاطر صعودهای مکرری که ژاپنی ها روی این قله داشتند ، آنرا کوه ژاپنی ها می ناهند و ژاپنی ها خواسته اند که در نخستین برنامه مشترک با ایران به یک موفقیت حتمی دست پیدا کنند .

اوج - صعود شما بهاره بود یا پاییزه

صعود ما پاییزه بود و این وجه مشخصه این برنامه بود . صعودهای بهاره راحت تر است چون طول روز بیشتر است کوهنورد فرصت بیشتری دارد ولی در پاییز برنامه فشرده تر می شود و از زمان کمتری استفاده می کند .
صعود ما آن روز یک رکورد جهانی بود زیرا برای اولین بار بود که مانسلو در پاییز صعود می شد .

اوج - نفرت شرکت کننده چند تا بودند و زمان برنامه

ابتدا یک کمیته (بنیاد) هیمالیا در فدراسیون تشکیل شد . این کمیته تشخیص داده بود که بجای صعود به قله های بلند بهتر است با کوهنوردان خارجی هماهنگی شود . آنها ژاپنی ها را مناسب تر دیدند تا مثلاً " اروپایی ها و به نظر من تشخیص درستی بود زیرا اولین برنامه با خارجی ها بهتر بود که با کشوری انجام شود که به هر حال شرقی بود و خصوصاً مشترک یا نزدیک به ما دارد و در عین حال کوهنوردانش از تجربه کافی در منطقه هیمالیا برخوردارند برای هماهنگی یک تیم از ژاپن به ایران آمده بود ، برای صعود زمستانی دماوند که به همراه بچه های فدراسیون و تعدادی از پرسنل نظامی (از جمله سوار هندی که الان بازنشست شده و هنوز هم در باشگاههای ورزشی فعالیت دارد) اجرا شد ولی متأسفانه بخاطر وضع بد هوا به قله نرسیدیم .

سال بعد یک هیات متشکل از دو ایرانی و دو ژاپنی یک سفر به نپال داشت . برای شناسایی قله " دانولاگیری " در این سفر در سال ۱۳۵۴ آقای رستمی و من از ایران و آقایان تامورا و کاگیاما شرکت داشتیم . ارتفاع این قله در حد مانسلو است ۸۱۶۷ متر . ابتدا پیش بینی شده بود که تیم مشترک این قله را صعود کند . این مسافرت ۴۵ روز از تهران تا تهران بطول انجامید که قسمت اعظم آن در راه رسیدن به بیس کمپ شناسایی و بازگشت به شهر کاتماندو سیری گردید .

اوج - جناب اسدی با تشکر از اینکه دعوت نشریه را برای این گفتگو پذیرفتید ، لطفاً " برای خوانندگان اوج چند کلمه ای از خودتان بگوئید ، از سابقه و چگونگی آشنایی تان با کوهنوردی

من هم خوشحالم که چنین دیداری ترتیب داده شد درباره خودم به اختصار می توانم بگویم :
همدانی هتم . سال ۱۳۲۴ در دامنه های الوند در دره عباس آباد متولد شدم ، دوره ابتدائی و متوسطه را هم در آنجا خواندم ، سپس به دانشکده افسری وارد شدم و الان با درجه سرهنگی مشغول به خدمت هستم .

ورزش من در ایام جوانی فوتبال بود . بعد از دانشکده افسری دوره رنجرو چترباز را هم گذراندم و سپس در یک برنامه از طرف ارتش ، تعدادی از پرسنل را قرار شد برای گذراندن یک دوره کوهنوردی به ایتالیا بفرستند که من هم جزو آنها بودم .

سال ۱۳۵۳ به همراه آقای رستمی و آقای نور (از مربیان فدراسیون) و پنج نفر نظامی به سرپرستی سروان آذر فر - که حالا بازنشست شده اند - دور کوهنوردی ارتش ایتالیا را دیدم . این برنامه به مدت سه ماه در ایتالیا انجام شد . در آن زمان من مربی رنجر بودم . آشنائی من با کوه در این رابطه بود . ارتباط من با کوه هم فقط در همین دوره هایی بود که به رنجرها آموزش می دادیم .

اوج - برای صعود به قله مانسلو چه برنامه ریزی ها ، تمرینات و هماهنگی هایی صورت گرفته بود ؟

چند روز بود؟

نفرات اصلی تیم ها هفده تا بود ، ۸ ایرانی و ۹ ژاپنی ولی باربرها و شریاهای نپالی خودشان رقم بالایی بودند البته دو نفر از ژاپنی ها دکتور و روزنامه نگار بودند .

کل طول برنامه از تهران تا تهران ۹۷ روز بود (۲ نفر از ما که زودتر رفته بودیم ۱۰۷ روز) . سوم مرداد ماه رفتیم و ۱۸ آبان برگشتیم . ۴۵ روز از بیس کمپ (کمپ اصلی) تا قله (آخرین کمپ) رفتیم و ۲ روز هم صرف برگشت شد . روز ۲۰ مهر ماه قله صعود شد در بازگشت يك روز از کمپ پنجم تا کمپ دوم و يك روز هم تا بیس کمپ آمديم .

اوج - برگشت تا ن چقدر سریع بود!

این سرعت به خاطر آنست که در برگشت ، مسیر آماده است و همه لوازم هم جمع آوری نمی شود تنها چادر های بیس کمپ جمع می شوند ، آنهم به خاطر اینکه در بازگشت مجبور بودیم ۱۲ شب در راه بخوابیم .

اوج - این عده لابد آذوقه و لوازم زیادی لازم داشتند - برنامه ریزی ، آماده سازی و انتقال این مواد خودش يك ماهه پیچیده ای است و ...

این تیم فقط ۱۵ تن بار داشت و همین خود نشان می دهد که چه برنامه سنگینی در پیش بود و با چه دقتی این بارهای پیش بینی شده برای کمپ های مختلف جداگانه بسته بندی شده بود .

بیت کوهنورد و پانزده تن بار ، بدون کمک باربر ممکن نیست . خود باربرها هم باید غذا می خوردند . در کشور نپال دو دسته هستند که شغلشان در این رابطه است یکی باربرها و دیگری شریاها .

از شهر کاتماندو تا مسافتی (بر حسب اینکه قله کجا قرار گرفته) بارها با ماشین حمل می شوند ، پس باربرها بارها را تا کمپ اصلی می رانند و در همانجا مزدشان را می گیرند و به آبادی هایشان بر می گردند . آنها معمولاً اهالی همان آبادیهای واقع در مسیر هستند . اما شریاها کوهنوردان نپالی حرفه ای هستند .

مردم نپال بسیار فقیر بودند . تیمها برای باربرها هم چیزی می آوردند و این لازم است زیرا اگر باربرها خوب همکاری نکنند و تیم بوقوع به بیس کمپ نرسد ، امکان شکست خوردن برنامه بسیار است . ما کفش کتانسی برده بودیم ولی آنرا نپوشیدند و با پای برهنه حرکت کردند .

جالب است بگویم که چند کلمه فارسی در نپال عیناً به کار می رود . بارزترین اینها کلمه " سردار " بود که ارشدترین فرد در میان شریاها بود . سردارها معمولاً کوهنوردان یا سابقه نپالی هستند . سردار ما ، اورست را هم با ایتالیایی ها صعود کرده بود و مرد با تجربه و بسیار

خوبی بود .

براستی هم هدایت آن تعداد باربر و شریا و آشرهایایی که استخدام می شوند و دو نفر پستچی (پیک) کار آسانی نیست .

اوج - پستچی ؟

بله ، پستچی که نه ، بهتر است بگویم پیک ، پیک نامه ها را جمع می کرد و به شهر می برد و برای خانواده های ما می فرستاد و حتی پاسخ را که به آدرس معینی در شهر می رسید ، برای ما می آورد . پیک تا بیس کمپ می آید و بین کمپ ها هم خود کوهنوردان که با هم رفت و آمد دارند نامه ها را می رسانند . این نامه در آن محیط و آن شرایط ، بسیار دلگرم کننده است .

اوج - درباره سازماندهی نفرات می گفتید

بله ، آمار گرفتن از همین باربرها کار مشکلی بود که آیا ۵۷۶ نفر هستند یا نه و من یکبار خودم موظف شدم که آمارگیری کنم و با شماره زن در نقطه ای که همه باید اجباراً از آن می گذشتند ، نشستم و آمار گیری کردم که بدانیم تعداد حقوق بگیران ما چند نفر است .

محل انتخاب شده برای بیس کمپ جای بسیار مناسبی بود هم از نظر امنیت و هم از نظر وجود آب و چوب و ... بهرحال برای ۶۰ - ۵۰ نفری که دیگر باید دایم آنجا باشند و با کمپ ما رفت و آمد داشته باشند ، جای مناسبی بود . ما وقتی از کمپ های بالا به آنجا می رفتیم آنجا برای ما مثل هتل بود چه از نظر تغذیه و چه استراحت و امکانات . زیرا چادرها بزرگتر بودند و حتی با آب یخچالها استحمام هم می کردیم . آنجا بیش از ۱۳ چادر داشتیم .

هرچه بالاتر می رفتیم تعداد چادرها کمتر می شد ، در نهایت کمپ آخری (پنجم) فقط يك چادر سه نفره بود .

بارها برای کمپ ها مشخص شده بود که چه مقدار برای بیس کمپ و چه مقدار برای کمپ های دیگر است .

اوج - بسته بندی یکجا انجام شده بود یا تیم ایرانی و ژاپنی جداگانه این کار را کرده بودند :

تهیه اجناس و بسته بندی تماماً در ژاپن انجام شده بود و این در قرارداد ما که قبلاً به امضای مسئولان کمیته های هیمالیا ژاپن و ایران رسیده بود ، تصریح شده بود . ما فقط يك مقدار تنقلات و وسایل ضروری خودمان را همراه برده بودیم .

خود سازماندهی این کار نیاز به تجربه و شناخت بسیار داشت که ژاپنی ها آن را دارا بودند هرچه بالاتر می رفتیم ، بسته ها کوچکتر و وزن آنها کمتر می شد .

چون ارتفاع بالا محدودیت زیادی ایجاد می کند . تجربه ژاپنی ها روی ارتفاعات بلند و ۸۰۰۰ باعث شده بود که این مسائل را خوب پیش بینی کرده در اختیار ما بگذارند . ما چنین تجربه ای نداشتیم . بسته بندی ها بسیار با دقت و ریزینی انجام شده و قابل تحسین بود .

اوج - در واقع برنامه ریزی مبتنی بر شناخت واقعیات و امکانات و وضع منطقه ، نقش اساسی دارد .

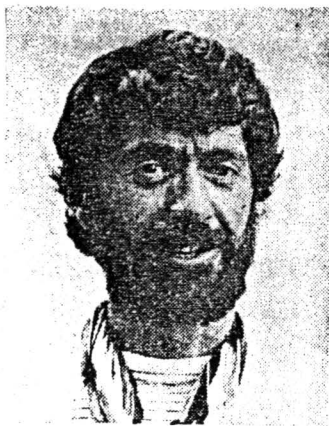
این برنامه ریزی ها می تواند خیلی موثر باشد . سال پیش از صعود ما ، يك تیم از کره به آنجا رفته بود و در کمپ سوم ، سیزده کشته داده بود . آگاهی ها و اطلاعات تضمین کننده اند .

نتیجه تجربه بود که برای سازگاری با محیط ترتیبی داده بودند که در کمپ ۳ ما دوازده شب فقط بار حمل می کردیم و در ضمن با محیط هم هوا می شدیم . از کمپ ۲ بار می بردیم . به کمپ ۳ ، بدین ترتیب مسیر صعود هم آماده می شد .

در بعضی مسیرها لازم بود طناب ثابت بگذاریم ، جاهایی دهنه شکافها طوری بود که مجبور بودیم روی آنها پل بزنیم .

وقتی سرپرست ها آدمهای پخته ای باشند ، متناسب با شرایط تعمیم فوق العاده هم می گیرند . مثلاً در این برنامه انتقال بار از بیس کمپ به کمپ ۱ را هم به باربرها دادند و مزد بیشتری به آنها دادند . برای اینکه کوهنوردان خسته نشوند و آمادگی بیشتری داشته باشند .

اوج هماهنگی با ارگانهای مسئول کشور نپال چگونه است ؟ آیا اگر يك تیم خودسرانه وارد منطقه شود و بخواد خودش برنامه اجرا کند ، چه کسی جلو او را می گیرد ؟



モハマド・ジャファル・アサデ

Mahamad Gafar Asadi

隊員・涉外 30歳

محمدجعفر اسدی - ۳۰ ساله



کارت مجاز راهپیمایی

مسافران منطقه هیمالیا به هنگام دریافت کارت مجاز راهپیمایی برای هر هفته باید ۶۱ رویه پرداخت کنند.

اعتبار این کارت یک ماه می باشد که برای تمدید آن به مدت یک ماه دیگر باید ۷۶ رویه برای هر هفته و برای ماه سوم، هفته‌ای ۱۵۱ رویه پرداخته شود.

(اینها نرخهای سال ۱۹۸۴ است)

بنظرم باید مجوز داشته باشد. ما چون همه مسایلی را رعایت کرده بودیم به مشکلی برخوردیم که ببینیم از کجا کنترل می کنند. شاید هم افسر نیالی که همراه ما بود، هماهنگ کننده بود. (خوب است اشاره کنم که دولت نیپال یک افسر را با هر تیم تا بیس کمپ همراه می کند که شاید به خاطر مسایل امنیتی باشد)

به حال آنها کنترلی روی برنامه ها دارند چون همانطور که عرض کردم برای هر فصل فقط یک تیم را اجازه صعود می دهند و برای همین مسایل است که حدود ده روز برای کارهای اداری، تیمها در کشور نیپال می مانند. دو نفر از ایران (بنده و آقای جلال فروزان) و دو نفر از ژاپن ده روز زودتر از دیگران به نیپال رفتیم که همین کارهای اداری را انجام بدهیم هر چند که قبلا " هماهنگی ها صورت گرفته بود ولی برای گرفتن شریا هم مجوز لازم بود .

اوج - کسانی که برای تورهای تفریحی به آنجا می روند چطور؟

البته تا یک محدوده هایی، کسانی که برای راهپیمایی می آیند تا پائین تر از بیس کمپ ممکن است این تشریفات را لازم نداشته باشند. ولی شاید همین تورها هم نوعی مجوز داشته باشند که من نمی دانم. مثلا " در تورهای منطقه هیمالیا که نامه بازار در این رابطه خیلی معروف است، توریست ها و کسانی که کوهنورد نیستند و برای تفریح به منطقه هیمالیا سفر می کنند، به آنجا می روند.

اوج - شرایط محیط و تاثیر آن بر افراد بویژه در ارتفاع بالا و به مدت طولانی، چگونه بود؟

هرچه بالاتر می رفتیم شرایط سخت تر می شد از ۷۰۰۰ متری به بالا، کمبود اکسیژن کاملا محسوس بود. با اینکه

ما وضع بدنی خوبی داشتیم وقتی از کمپ ۳ به کمپ ۲ بر می گشتیم به آقای هندی گفتم که ما دیگر در سرازیری هم به نفس نفس می افتیم .

مساله هم هوایی در صعودهای هیمالیا جای خاصی دارد هرچه بالاتر می رفتیم احساس می کردیم که داریم ضعیف تر می شویم و گذشته از این، یک سری اشتباهات (ناشی از شرایط کمبود اکسیژن و طول مدت و تغذیه ناکافی) از ما سر می زد. مثلا " خود من سه بار در بستن بند پوتین اشتباه کردم. در کمپ چهارم سه بار هنگام بستن کفش و کرامیون اشتباه کردم در حالی که می دیدم و می فهمیدم، که اشتباه می بندم .

اوج - ارتباطات بین کمپ ها به چه وسیله ای بود؟

ارتباطات همه با بی سیم بود.

از نکات جالب این بود که در کمپ آخر تا قله که می رفتیم پائین دائم بگوش بودند، هرگز تماس نمی گرفتند، اگر لازم بود ما تماس می گرفتیم برای اینکه تماس گرفتن آنها برای ما در دردت می کرد چون ما در وضعیتی نبودیم که آنها مرتب از ما شرایط را بپرسند. این برای ما وقت گیر و مزاحم بود و روحیه این کار را نداشتیم .

اوج - چند نفر به قله رسیدند و چگونه این نغمات انتخاب شده بودند؟

روی قله ۳ نفر رفتیم

کمپ چهارم را در ارتفاع ۷۱۵۰ متری زدیم، سپس مسئولان تیم ها همه اعضا، را از همه کمپ ها به کمپ ۲ (در ارتفاع ۵۹۰۰ متری) فرا خواندند. این کمپ جای مناسبی بود و وسعت کافی داشت. در آنجا برای تعیین تیم های حمله مشورت شد. تیم ایران روی استوار هندی به عنوان نفر اول نظر داشت. آقای خاکبیز (سرپرست) و آقای مهدی زاده (سرپرست فنی) روی ایشان نظر داشتند. دو نفر مشابه از ژاپن و یک نفر هم از نیپال (سردار) نظر می دادند .

ژاپنی ها، مرا از تیم ایران و کاکای یاما را از تیم ژاپن پیشنهاد کردند و سرانجام پیشنهاد آنها پذیرفته شد و ما دو نفر به همراه " پسنگ شریا " از نیپال، به عنوان تیم اول انتخاب شدیم (پسنگ شریا بسیار کم حرف بود و از خصوصیاتش این بود که " احمدا ی او را کمتر شنیدیم) .

اوج - چرا ژاپنی ها شما را پیشنهاد کردند؟

بنظرم به خاطر شناخت قبلی آنها از من بود. چون در سفر قبلی که ۵۴ روز با ژاپنی ها در نیپال بودم ما شناخت خوبی از همدیگر داشتیم. من و آقای کاکای یا ما حتی با نگاه به یکدیگر می فهمانیدیم که چه قصدی داریم. به هر صورت این انتخاب صورت گرفت. سرپرست

برنامه دستی را روی شانه من گذاشت و گفت شمای برای تیم اول انتخاب شده اید و در تاریخ ایران نخستین کسی هستید که می خواهید پرچم کشور را بالای ۸۰۰۰ متر نشانند. من گفتم انشاا... تلاش خودم را می کنم و اسن را به مثابه یک مأموریت می دانم .

روز بعد تیم حرکت کرد. یک شب در کمپ ۳ خوابیدیم شب بعد در کمپ ۴ و روز آخر (۱۹ مهرماه) تیم اول با کمک دو ایرانی و دو ژاپنی و چند نفر شریا به آخرین کمپ رسانده شد (کمپ ۵ در ارتفاع ۷۶۵۰ متر) ما را ترو خشک کردند و خداحافظی کرده و به کمپ چهارم برگشتند .

سرپرست ها در کمپ ۲ بودند. بچه ها تقسیم شده بودند و عده ای در کمپ ۳ و ۴ بودند .

اوج - لابد حمله به قله را زود شروع کردید چون ماندن در آن ارتفاع و با کمبود اکسیژن جایز نبود.

بله، قرار بود ۴/۵ صبح حمله به قله را شروع کنیم که ساعت دوازده به قله برسیم. این زمان بندی پیش بینی شده بود و همانطور که معمول است، تیمی که قله را صعود می کند، شب به کمپ پائین تر از آخرین کمپ برگردد که باز هم آنها را تر و خشک کنند و روبراه بشوند .

ما صبح که برای حرکت بیرون آمدیم، طوفان به حدی شدید بود که حتی به ما اجازه ایستادن را نمی داد و به حالت خمیده تعادل مان را حفظ می کردیم که طوفان ما را از جا نکند. کمپ ما هم در جایی بود که اگر لیز می خوردیم تا بیس کمپ می رفتیم یا جایمان داخل دریاچه مانلو بود .

با پائین تماس گرفتیم، گفتیم امکان حرکت نیست. من به زبان فارسی با آقای خاکبیز صحبت کردم، کاکایاما به زبان ژاپنی با آقای تامورا صحبت کرد و پسنگ شریا هم به زبان نیپالی با سردار . . . گفته شد که به چادر برگردیم. حدود ۲ ساعت زمان را از دست دادیم تا طوفان اجازه حرکت داد .

حرکت کردیم تا ساعت دوازده هوا خوب بود ولی دوازده به بعد هوا خراب شد و در نتیجه حرکت ما کند بود. حدود ساعت ۴/۵ بالای قله رسیدیم در حالی که از ۸۰۰۰ متری دیگر اکسیژن نداشتیم، کپسول اکسیژن تمام شده بود و کپسول اضافی هم نبرده بودیم چون قدرتش را نداشتیم. حدود ۱۶۰ متر آخر را بدون اکسیژن و هر سه به صورت کُرد با استفاده از طناب بالا رفتیم .

اوج - وقتی به قله رسیدید چه احساسی داشتید؟

لحظه ای که روی قله رسیدیم هرگز فراموش نمی شود من احساس می کردم که همه ورزشکاران و همه کسانی که بخاطر سر بلندی این مملکت دلشان می تپد، آنجا هستند. ما سه نفر بودیم از سه ملیت و همبستگی راب خوبی

شبه در کمپ ۲ خوابیدیم ، خوب از ما پذیرائی کردند
 دکتر تیم وقتی دست و پای مرا دید گفت : " تو سرما زده
 هستی " و مدت ده روز دست و پای مرا با پماد باندیچی
 می کرد که دیگر نمی توانستیم حتی صورتم را هم بشویم .
 اوج - آیا تیم های دیگر هم پیش بینی شده بودند که
 اگر شما نتوانستید صعود کنید

تا چهار تیم برای صعود در نظر گرفته شده بود . تیم
 اول که ما بودیم . تیم دوم در کمپ ۴ مستقر بود و به هر
 حال آنها آماده بودند که به دستور سرپرستان برنامه ،
 عازم قله شوند . ولی چون تیم یکم موفق شده بود ،
 سرپرستان خواستند که برگردیم و اعزام تیم دیگری اصلاً
 ندانستند . چون برای تیمی که باز اول می رفت و تلفاتی
 هم نداده بود ، موفقیت خوبی بود .

اوج - خرج برنامه چقدر شد ؟

هزینه برنامه ما مبلغی در حدود ۳ میلیون تومان یا
 کمتر بود (دقیقاً " ۳۰۰,۰۰۰ دلار) که بین ایران و ژاپن
 سرشکن شد . خرج برنامه را ارتش تامین کرد .

اوج - آیا بعد از این برنامه ها ، کوهنوردی را ادامه دادید ؟

شاید برای شما جالب باشد که بگویم من حتی قله الوند
 همدان را صعود نکرده ام یعنی نرفته ام . دماوند را هم
 که صعود مشترک زمستانی با تیم ژاپن بود ، موفق شدیم
 به قله برسیم تا بتوانم بگویم دماوند را هم صعود کرده ام .
 برنامه های کوهنوردی من محدود به همین آموزش های
 رنجر و ماموریت های نظامی بوده . قله هایی مانند توجال
 را چند بار صعود کرده ام و همیشه درآمدگی بدنی خوبی
 بوده ام ولی کوهنورد به معنایی که شما هستید نبوده ام .

بدون استفاده از کرده در ارتفاع ۷۶۵۰ متری وارد چادر
 شدیم .

هنگام برگشتن چندان به فکر خودمان نبودیم ، در حال
 که باید می بودیم به فاصله کم و نزدیک همدیگر حرکت
 میکردیم و در تمام راه يك كلمه هم نمی توانستیم با هم
 صحبت کنیم . فقط داخل چادر يك لحظه دستهایمان
 را روی شانه همدیگر گذاشتیم ، قدرت کار بیشتر را
 نداشتیم ، تنها کاری که کردیم (که آنرا هم کاگی یا ما
 انجام داد) با بی سیم به پائین خبر دادیم که ما داخل
 چادر هستیم . آنها راهنمایی کردند که استراحت کنید .
 فقط کپسول اکسیژن را زدیم و برآستی مثل مرده ها
 افتادیم . صبح آفتاب پهن شده بود که به هوش آمدیم .

اوج - بچه های دیگر کاری برای شما می کردند ؟

بنا نبود که بکنند ، اگر ما به کمپ ۴ می رفتیم آنها
 از ما پذیرائی می کردند .

هیچوقت یادم نمی رود ، صبح که می خواستیم از کمپ
 ۵ به کمپ ۴ برگردیم ، کمی که پیش رفتیم ، یکی از بچه های
 ژاپنی را دیدیم که تا نزدیک کمپ آمده بود . این جوان
 به تنهایی آمده بود که به ما روحیه بدهد .

احساس می کردم . درست است که ما بالای قله رفتیم ولی اگر
 همکاری همه بچه های تیم نبود ، هیچوقت ما نمی توانستیم
 به این موفقیت دست یابیم حتی کسی که در کمپ ۱ بوده هم
 در این پیروزی نقش داشته است .

بی سیم را روشن کردیم ، خبر دادیم که سر قله هستیم
 طوفان به شدت ادامه داشت . من در پاسخ احوالپرسی
 یاران تیم فقط توانستم جواب بدهم : " خوب ، خوب " .
 روز قبل ، طوفان کت پر را از دست من در آورده بود هنگامی
 که عرق کرده بودم و خواستم کت پر را داخل کوله بگذارم ،
 باد آن را از دستم ربود و من نخواستم کت پر بچه هایی
 را که به کمپ ۴ بر می گشتند بگیرم . در نتیجه با يك
 زیر پوش ، يك گرمکن و يك بادگیر روی قله رفتیم ، همیـ
 باعث شد که من به سرما زدگی سختی دچار شوم . تا ۲۴ ساعت
 دندانهایم بهم می خورد و یاری صحبت کردن نداشتیم .
 در بازگشت چون (هوازیبه تاریکی می رفت) کمی عجله
 داشتیم . ساعت ۵ عصر بیستم مهر ماه هوا رو به تاریکی
 می رفت و ما ساعت ۷ شب در تاریکی مطلق به چادر
 رسیدیم و این لطف الهی بود که در آن منطقه با آن شب
 و آن ارتفاع ، طناب ثابت هم کار نگذاشته بودیم (چون
 دیگر توان و وقت چنین کاری را نداشتیم) ، بدون اکسیژن

صورتحساب هزینه های برنامه صعود مشترک تیم های ایران و ژاپن به قله مانسلو (۱۹۷۶)
 (به دلار)

هزینه پرداخت شده			بودجه	شرح
کمپته ایران	کمپته ژاپن	جمع		
۱۱،۸۶۰	۹،۸۰۰	۲۱،۶۶۰	۲۰،۰۰۰	بلیط هواپیمای اعنفا
۱۵،۴۷۱/۸	۷۵۰	۱۶،۲۲۱/۸	۱۱،۷۹۰	حمل و نقل کالالا
۹،۸۶۷/۲	۶۰۰	۱۰،۴۶۷/۲	۹،۰۰۰	کرایه هتل و سفرهای شهری (تاکسی)
۲۴،۱۸۲/۶	—	۲۴،۱۸۲/۶	۳۱،۰۰۰	دستمزد شریاها و باربرها
۱،۲۷۶/۲	—	۱،۲۷۶/۲	۲،۵۰۰	هزینه های کاروان
۴،۸۷۲/۸	—	۴،۸۷۲/۸	۵،۰۰۰	عوارض گمرکی و دولتی
۹،۲۱۶/۷	—	۹،۲۱۶/۷	۱۱،۱۰۰	حق بیمه اعضا و شریاها
۱۰۶،۹۶۱/۶	۳۵۰	۱۰۷،۳۱۱/۶	۱۲۰،۰۰۰	لوازم کوهنوردی
۱۲،۳۵۶/۷	۱،۲۵۰	۱۴،۵۰۶/۷	۱۷،۰۰۰	مواد خوراکی
۸۵۳/۱	—	۸۵۳/۱	۱،۰۰۰	تجهیزات پزشکی و دارو
۵،۸۰۸/۴	—	۵،۸۰۸/۴	۵،۵۰۰	بسته بندی
۱۸،۷۱۶/۸	۲،۰۵۹	۲۰،۷۷۵/۸	۲۰،۰۰۰	حق الزحمه مدیریت کمپته هیمالییا
۲،۶۲۰/۵	—	۲،۶۲۰/۵	۴،۰۰۰	هزینه ارتباطات
۱۰،۷۹۴/۲	۱،۴۰۱/۷	۱۲،۱۹۵/۹	۱۵،۰۰۰	هزینه هیأت های اعزامی مذاکره کننده
۴،۶۹۹/۶	—	۴،۶۹۹/۶	—	مراسم جشن ژاپنی
۱۲،۵۷۲/۴	۲،۷۷۰/۱	۱۶،۳۴۲/۵	۱۲،۶۰۰	آموزش مشترک
۷،۵۴۶/۳	۲،۵۴۴	۱۰،۰۹۰/۳	۹،۰۰۰	هزینه بازدید مقدماتی (شناسائی)
۴،۰۲۹/۷	—	۴،۰۲۹/۷	۵،۱۵۰	هزینه های رزرو [قله]
۲۷۴/۹	۵،۲۰۰	۵،۵۷۴/۹	۳۶۰	و غیره
۲۶۵،۹۸۲/۵	۲۷،۷۲۴/۸	۲۹۳،۷۰۷/۳	۳۰۰،۰۰۰	جمع کل

بله واقعا " . خاطره ای که الان بیاد دارم این است که در هنگام برگشت کت پر خودم را از دور روی یخچال دیدم . به یکی از شریاها گفتم ۴۰ روپیه به تو می دهم آن کت را برایم بیاور . چون خودم واقعا " دیگر قدرت آنرا نداشتم که بروم آنرا بیاورم . این کت پر برای من خاطره انگیز بود و مرا نزدیک قله تنها گذاشته بود هنوز هم آنرا دارم .

نداشتن کت پر باعث سرمازدگی من شد تا حدی که سردار پیش‌بینی می کرد دست و پای من باید از مح قطع شود که باز هم لطف الهی بود که آن خطر برطرف شد . البته من دیگر مقاومتر را در برابر سرما از دست دادم و حتی در همین شهر تهران وقتی هوا کمی سرد می شود ، بدنم می لرزد و ناخن هایم تیره می شود .

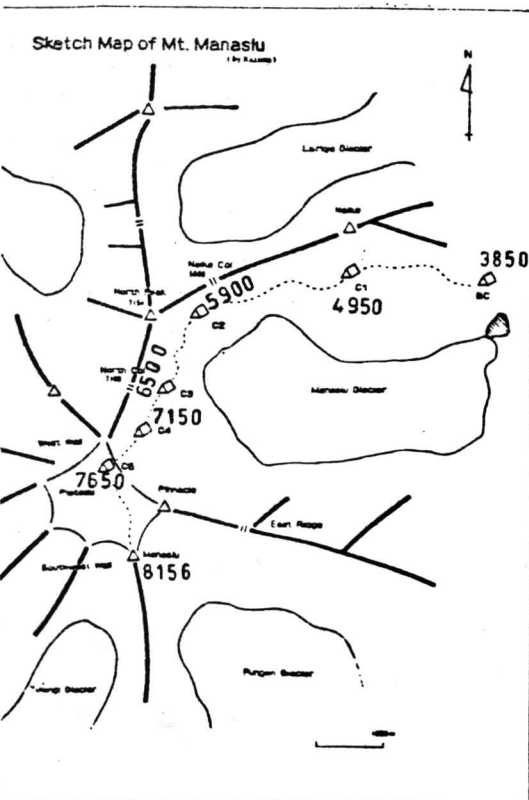
امیدوارم که این خاطره برای کوهنوردان جوان تجربه خوبی باشد که بی احتیاطی نکنند .

اوج خیلی ممنون جناب اسدی امیدواریم که باز هم بتوانیم از تجربیات شما استفاده کنیم .

IRAN-JAPAN NEPAL HIMALAYA JOINT EXPEDITION 1976.

SETTLEMENT OF ACCOUNTS OF

IRAN-JAPAN-MT. MANASLU JOINT EXPEDITION 1976



اوج - ولی همه اینها بر می گردد به سازماندهی برنامه ریزی و سرمایه گذاری

خوب ، این با فدراسیون است که این کارها را بکند . به نظر من ابتدا باید یک گروه تشکیل بشود و از پیش‌کنش و کسانی که مطلع هستند دعوت شود ، هدفها معین شود و بعد روی آن سازماندهی کنند ، روی زمان آن عجله نکنند زیرا در کوتاه مدت جواب نمی دهد . روی جوانها سرمایه دداری کنند .

منظورم از جوانها ، بیست ساله ها نیستند . هیمالیا هجده ساله و بیست ساله پسند نیست زیرا صیوری یکی از ویژگی های اساسی و لازم هیمالیا نوردی است که با روحیات افراد خیلی جوان سازگار نیست .

اوج - از نظر آمادگی فنی چطور ؟

سلما " . آشنائی با سنگ‌نوردی ، یخ‌نوردی ، توانائی استفاده از میخ و سنگ و میخ و طناب و تکنیک کرده ای و ... را من در شمار حداقل آموزشهای لازم می دانم البته بدون این آموزش ها ، بدون استفاده از کلنگ و کرامپون و وسایل فنی ، بدون دانستن چگونگی به سر بردن در ارتفاعات و ... نمی توان به قله های بلند رفت . منتها ، این کار فنی با آنچه در ذهن بعضی از بچه های کوهنورد ماست فرق می کند . در هیمالیا ، کار روی دیواره نیست . کسی در ارتفاع بالای ۷۰۰۰ نمی تواند در گیر دیواره سنگی بشود . من خودم آموزشهایی دیده ام و لمسی هیچ وقت به سنگ‌نوردی نپرداخته ام .

اوج - اگر خاطره ای هم از این سفر برای ما بگوئید خیلی خوشحال می شویم گرچه چنین برنامه ای سرشار از خاطره است



▲頂上に立つアサデ隊員

اوج - مثل اینکه شما به قله های کم‌تر از ۸۰۰۰ قانع نیستید

چه عرض کنم ؟

اوج - بنظر شما تیم مستقل ایرانی می تواند به قله های بلند هیمالیا برود ؟ (بدون کمک کوهنوردان خارجی)

فکر می کنم بتواند با توجه به تجربیات تیم های قبلی و با توجه به این همه کتاب و بولتن و اطلاعات که امروزه از هیمالیا در دست است ، تیمی که خوب تجهیز شده باشد ، آموزش دیده و خوب انتخاب شده باشد و تمرین خوب داشته باشد می تواند موفق باشد البته ابتدا روی قله های ساخته شده و کوچکتر سپس می تواند قدمهای بعدی را مطمئن تر بر دارد .

من در یک جلسه ای گفتم که ورزشکار ایرانی با تربیت اسلامی ، اگر آموزش و تربیت ورزشی خوبی داشته باشد ، خیلی کارها می تواند بکند .



یک صومعه کوچک راهبان در دامنه مانسلو

Mr. Akio Yamamoto
Mitsui & Iran Co., Ltd.
P. O. Box 828 Teheran Iran
Phone : 833045
Telex : MITSUI THN 212591

دانستنی‌های درباره هیمالیا

معرفی کتاب

گردآورنده: محمد جواد شرکت مقدم

رژیم غذایی ورزشکاران

نویسنده: ؟

مترجم: لیلی ناظمی (فضائلی)

چاپ اول ۱۳۶۶

ناشر: مترجم

(۱۰۲ صفحه) - قیمت: ۲۳۰ ریال

هدف کتاب در نظر گرفتن یک رژیم غذایی مناسب و متعادل است که شامل کلیه مواد غذایی مورد نیاز بدن باشد. در این کتاب با عکس‌ها و نمودارهایی چند، رژیم‌های گوناگون غذایی برای ورزشکاران مختلف در سنین متفاوت و شرایط خاص ارائه می‌شود. کاهش وزن و چربی اضافی نیز از جمله موضوعات کتاب است. چندین نظریه عامیانه نادرست نیز تحت عنوان تصورات اشتباه به نقد کشیده شده‌اند.

۱۹۲۳- تیم انگلیسی سرپرست تیم راتلج	"	"	"	"
۱۹۲۵- " اریک شپتون	"	"	"	"
۱۹۲۸- " H.W تیلمان	"	"	"	"
۱۹۲۷- " " اسمیت	"	"	"	"

مبدأ صعود اورست: کاتماندو-نامه‌چه بازار-تیانگپوچه و دیانگ بوچه بعد وارد یخچال خومبومی شوید صعود اورست از دو جبهه شمالی و جنوبی است.

نام‌هیمالیادگر کشورهای ۹ گانه

- ۱- شوروی: پامیر
- ۲- افغانستان: هندوکش
- ۳- پاکستان: کاراکروم
- ۴- هند: گارموال - کاشومان
- ۵- نیپال: قسمت اصلی هیمالیا بزرگ
- ۶- سیکیم: شومولاری
- ۷- بوتان: ؟
- ۸- برمه: نیاموچوو
- ۹- چین: کول لون- تیان شان

مرتفع ترین قله‌های مناطق ۹ گانه

۱- شوروی: پوبیدا ۷۴۵۰ متر	"	"	"	"
۲- افغانستان: تیراش میر ۷۷۰۰ پونداد شاه ۷۱۲۵	"	"	"	"
۳- پاکستان: K2 ۸۶۱۱	"	"	"	"
۴- هند: ناندآوری ۷۸۷۸	"	"	"	"
۵- چین: شیشا پنجم ۸۰۱۲	"	"	"	"
۶- نیپال: اورست ۸۸۴۸	"	"	"	"
۷- بوتان: اولگ مستاق ۷۲۵۰	"	"	"	"
۸- برمه: نیاموچوو ۵۲۰۰	"	"	"	"
۹- سیکیم: ؟	"	"	"	"

چهارده قله بالای هشت هزار متر هیمالیا و اولین

نفرات صعودکننده

۱- اورست (۸۸۴۸ متر) در سال ۱۹۵۳ صعود شده توسط هیلاری و تنزینگ (انگلیسی)

۲- کیتویاکاوو ۸۶۱۱ متر در سال ۱۹۵۴ صعود شده توسط

آجیل کومپانیانی ولیتوالدی (ایتالیایی)

۳- کانچن جونگا ۸۵۹۸ متر ۱۹۵۵ صعود شده توسط جورج باند انگلیسی

۴- لوتس ۸۵۰۱ متر ۱۹۵۶ " راین سوئیس

۵- ماکالو ۸۴۸۱ متر ۱۹۵۵ " جان فرانس

فرانسوی

۶- داتولاگیری ۸۱۷۲ متر ۱۹۶۰ " ایزلین سوئیس

۷- مانسلو ۸۱۵۶ متر ۱۹۵۶ ؟ ژاپن

۸- شتویو ۸۱۵۳ متر ۱۹۵۴ " هربرت تی چی

اتریشی

۹- نانکا پاربات ۸۱۲۵ متر ۱۹۵۳ " هرمن بول

اتریشی

۱۰- آتاپیرنا ۸۰۷۸ متر ۱۹۵۰ " هرزوک فرانسو

۱۱- کاشیربرومیک ۸۰۶۸ متر ۱۹۵۸ " شونیکس

آمریکایی

۱۲- برادپیک ۸۰۴۷ متر ۱۹۵۷ ؟ اطیش

۱۳- کاشیربروم ۸۰۲۵٫۲ متر ۱۹۵۶ ؟ آمریکایی

۱۴- گوزین تال ۸۰۱۳ متر ۱۹۴۹ ؟ چینی

تاریخچه صعود اورست از جبهه شمالی

۱۹۸۲ تیم انگلیسی سرپرست تیم‌هازبند از هند

۱۹۰۵- " " " " لرنکورزن

۱۹۱۳- " " " " کاپیتان نوئل

۱۹۲۰- " " " " مالوری و سامرویل

۱۹۲۲- " " " " مالوری (۱۸ کشته داشته)

۱۹۲۴- " " " " نورتن و مالوری

البرم نویس

میراث فرهنگی ازستان
منتشر

دین البرم تصاویری از آثار این نویسنده
مردم شناسی باستان‌شناسی ازستان ازستان عرضه شده

تیم آباد ریخانبان کاشانی جیب‌پل از استان اوج
میراث فرهنگی ازستان متن ۱۹۹۱/۸ کد ۰۲۲۱
۲۱۸۱۷
تیم آباد ریخانبان آزادی بخش ریخانبان ریخانبان
سازمان میراث فرهنگی کشور - میراث فرهنگی ازستان اوج
متن ۳- ۱۲- ۱۵- (دش ۱۴۴)

اوج آکمی سی پدید آورنده

فروزان زیادلو

آفرین بر بچه‌های شهرستانی

گزارش مسابقه سنگ نوردی انتخاب تیم ملی

من معتقدم کم‌نسل کوهنوردی بعدی تمرینات بیشتری خواهد کرد ، برای اینکه از طرفی مسیرهای مشکل تری را صعود کند و از طرف دیگر با کیفیت برتر بدنی برخیزی از خطرات واقعی بهتر غلبه کند .
" واینهولد منسر "

چند سالی است که مسابقات سنگ نوردی در اروپا معمول شده است. این کار تا بحال موافقان و مخالفانی داشته است . در این شماره اوج ، ملاحظه می کنید که حتی پاتریک برهالت ، سنگ نورد نامدار اروپایی ، با مسابقات سنگ نوردی سر موافق ندارد . اما، عده زیادی در مقابل وجود دارند که مسابقات را موتور و نیروی محرکه سنگ نوردی دانسته و اعتقاد دارند که این مسابقات موجب رشد این رشته و جذب جوانان به سنگ نوردی خواهد شد . طبیعی است که سازندگان و تولید کنندگان و فروشندگان وسایل کوهنوردی و حتی ارگانهای دولتی نیز با این کار موافق باشند . ارگانهای دولتی معتقدند که رواج سنگ نوردی در بین جوانان اروپایی ، موجب صادرات بیشتر ، رونق ابتکارات و ایجاد درآمدهای پولی برای دولت می شود .

در کشور ما، ایران ، نیز که از سال ۱۳۶۹ این مسابقات آغاز شد ، موافقان و مخالفانی یافته است . مخالفان می گویند که مسابقه با ارزشهای اصیل کوهنوردی و روحیه همکاری منابرت دارد و به ضد ارزش تبدیل خواهد شد . آنها ، همچنین می گویند که در ایران در فقدان رقابتهای تولیدی بین تولید کنندگان فرآورده های کوهنوردی و اصولاً " با توجه به اینکه کوهنوردی در اقتصاد ملی کشور جایگاه مناسبی ندارد ، این مسابقات به توسعه صادرات و ایجاد درآمدهای مالی برای دولت نخواهد انجامید و مدیریت کوهنوردی کشور بجای اینکه به این قبیل کارها بپردازد ، بهتر است به توسعه و تعمیم این ورزش در بین اقشار مختلف مردم همت یازد . اما موافقان عقیده دارند که باید بهر حال کار را از جایی شروع کرد . ما همین الان ۱۰ سال از اروپا عقب هستیم و اگر دیر بجنبیم شکاف و فاصله پر ناشدنی خواهد شد . آنها می گویند تا به کی باید فوتبال علمدار باشد . ایران کشوری کوهستانی است و دارای استعداد های طبیعی مساعدی برای تبدیل کوهنوردی به یک ورزش ملی است . رقابت در مسابقه نیز منافات و تضادی با روحیه همکاری دسته جمعی که لازمه کوهنوردی است ، ندارد . آنچه در مقابل " سنگ نورد " قد برافراشته و وی را به مبارزه می طلبد ، سنگ است نه همنورد وی .

بهر حال ، کدام دسته درست می گویند ، بحث و گفتگوئی دیگر را می طلبد . از همین جا ما همه خوانندگان ، مربیان ، دست اندرکاران را به اظهار نظر درباره مسابقات سنگ نوردی دعوت می کنیم . نظر خود را برای اوج بفرستید . ما امیدواریم همه این کارها موجب اعتلای کوهنوردی کشورمان شود . آنچه در زیر می خوانید ، گزارش مسابقه سنگ نوردی برای انتخاب تیم ملی کشورمان است که قرار است در آذر ماه امسال برای انجام مسابقات آسیائی به خارج کشور رهسپار شود .



مسابقه در ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۱۵ شهریور ماه در محل سربند روی صخره ای که به زبان محلی " دوبرار " نامیده می شود و مشرف بر محوطه سربند می باشد آغاز شد . دلیل انتخاب این محل از طرف فدراسیون کوهنوردی این بود که نخست مردم عادی که از این مسیر به ارتفاعات توجال می روند ، شاهد ونظاره گر مسابقه باشند و دو دیگر آنکه صخره ای انتخاب شده باشد که تیم سنگ نوردی تهران در روزهای قبل بر روی آن به تمرین نپرداخته و بدین طریق عدالتی بین تیم های شهرستانی و تیم تهران برقرار شده باشد .

الحق باید گفت که انتخاب این محل از جنبه دوم آن کار درستی بود . بچه های تهران که از هفته قبل در منطقه بند بخچال اردو زده و به تمرین مشغول بودند ، همه جا را برای محل مسابقه حدس زده بودند ، جز همین صخره و سنگرا و انتخاب سنگ بزرگی که بر " سربند " خیمه زده و از آن بالا بان هیولائی عابران را می نگردد . بین آنها نوعی شگفتی آفرید . البته ، من که خود از یک هفته قبل از آغاز مسابقه بین بچه ها بودم و برای تحلیل روحیه آنها و تهیه این گزارش بینشان پرسه می زدم ، می توانم حجت کنم که این شگفتی نه از باب حسرت

واحدی غنیمت - احساس غنیمت بخاطر آنکه نتوانستند محل مسابقه را از پیش حدس زده و روی آن به تمرین بپردازند - بوده است ، بلکه این شگفتی به خاطر آن بود که چیرا نتوانستند محل مسابقه را به گمان حدس دریا بیاورد و چیرا هوش و استقامت آنان دایره تنگی را دور زده است -

درواقع ، من که از مدت ها قبل و همچنین یک هفته قبل از مسابقه با آنها بودم ، با آشنائی که به زوایای اخلاقی آنها دارم می توانم شهادت بدهم که حتی اگر هم آنها جای دقیق مسابقه را می دانستند ، بخود جرات و اجازه نمی دادند ، گوشه چشمی بآن بیفکنند ، از نظر آنها ، این کار خلاف امانت بود و از آن گذشته می خواستند در يك مصاف واقعی خود را بیازمایند . درست است که مسابقه و نوید رفتن به خارج کشور شور و هیجانی بین همه بوجود آورده بود ، اما کوهنورد در عمق باطن خود به درگیری و جدال و مصاف با طبیعت و ایمان به برتری نیروی خود و صداقت رفتاری نیسز می اندیشد و اینهاست که او را دل مشغول می دارد . در اول این گزارش گفتیم که انتخاب محل سربند از جنبه دوم آن یعنی غافلگیری بچه های تیم تهران نایده داشت و نتوانست هدف نخستین آن یعنی اجتماع مردم عادی را به صورت خیلی از تماشاگر فراهم آورد . دلیل این امر این بود که کار مسابقه آنقدر با تاخیر آغاز شد که مردمی که ابتدا روی جاده آسفالت جمع شده و از آن پائین بیابا می نگریستند بتدریج گردنهایشان خسته شد و حوصله شان سر آمد و هریک راه خود را پیش گرفتند و رفتند . بطوری که وقتی مسابقه آغاز شد ، فقط در زیر سنگ افرادی گرد آمده بودند که خودشان از کوهنوردان نیمه حرفه ای بودند و توانسته بودند اجازه کادر انتظامات مسابقه را برای بالا آمدن از جاده آسفالت ، از کوره راه سنگی تا زیر صخره جلب کنند . این اولین ضعف مسابقه بود .

در مسابقه جمعا " ۵ منطقه شرکت کرده بودند . این مناطق عبارت بودند از تهران ، همدان ، خراسان ، باختران و فارس . از هریک از این مناطق ، ۵ نفر در مسابقه شرکت کرده بودند . این ۵ نفر در واقع منتخب مسابقه اولیه ای بودند که در منطقه آنان رخ داده بود . فدراسیون ، از يك ماه قبل از آغاز مسابقه نهایی که به انتخاب تیمی می انجامید ، ۵ منطقه را در سطح کشور به عنوان مرکزیت چند استان همجوار تعیین کرده و بین سنگ نوردان تحت پوشش آن منطقه مسابقه ای مقدماتی برگزار کرده بود و عده ای که اکنون در مسابقه نهایی دست و پنجه نرم می کردند ، از مصاف ابتدائی در سطح منطقه و محل خود بدر آمده بودند . همچنین ، از بین کمیته مربیان نیز ۶ نفر در يك مسابقه داخلی انتخاب شده و در مسابقه پایانی

شرکت کرده بودند . بدین ترتیب ، تعداد کسبل شرکت کنندگان در مسابقه انتخاب تیم ملی بالغ بر ۲۱ نفر بود . اما ، در روز مسابقه ، سه نفر از بچه های شهرستانی غیبت داشتند و جمع شرکت کنندگان به ۲۸ نفر رسید .

روی سنگ " دو برار " دو مسیر برای مسابقه انتخاب شده بود :

مسیر اولیه ای با کیفیت ساده تر و زمان طولانی تر برای همه سنگ نوردان و مسیر ثانویه ای با کیفیت سخت تر و زمان کوتاه تر برای منتخبین مرحله اول .



مسیر اولیه ، ۲۶ متر طول داشت . بر فراز سنگ ، جایی که مندلی آهنی تمرینات " راپل " از کابل فولادی آویخته بود ، عزیز خلع مری قدیمی نشسته بود و به عنوان داور بالا از گروه کمیته داوران بر مسابقه نظارت می کرد . داوران وسط ، محمد تقی بهره و روحایی معیری بودند که در کمربند صخره از طناب آویخته بودند . داور پائین نیز حسین رضا دوست بود که با دستبازی معمود اشرفی ، به ابتدای مسیر نظارت می کرد . سرداور ، آقای موسوی دبیر فدراسیون بود که جدول تایمینگ را نیز در دست داشت و از دور به جریانات مسابقه نظارت می کرد . شروع کار هر فرد بوسیله داور

پائین سوت زده می شد و سر داور کرونومتر خود را یکبار می انداخت و زمان انتهائی میر نیز با کف ممتد و هیجان خاصی که خلع نشان می داد ، و طنین صدای رسای وی در جدول انعکاس می یافت .

مسیر بوسیله دو رشته نوار درخشان علامت گذاری و محدود شده بود و سنگ نوردان بایستی در فاصله دو نوار از حمایت های میانی عبور می کردند . حداکثر زمان استاندارد ۶ دقیقه در نظر گرفته شده و چنانچه کسی ظرف مدت مذکور از عهده پیمودن و اتمام مسیر بر نمی آمد از مسابقه حذف می شد . همچنین ، پانندول شدن و اتکا ، به حمایت های میانی نیز از عوامل حذفی بشمار می آمد . انتخاب ترتیب نفرات برای شروع مسابقه به طریق قرعه کشی انجام شده بود .

اولین ، قرعه بنام خلیلی از باختران بود که ۲۰ متر رفت و افتاد . پانندول شدن وی در شروع مسابقه شوکی به گروه مسابقه دهندگان داد و آه از نهاد جماعت تماشاچی برآورد . اما ، حمید اولنج ، سنگ نورد خوب همدانی با اندام ورزیده و کوتاه قامت خود ، در جایگاه نفر دوم ، میرا در ۴ دقیقه و ۲۴ ثانیه خاتمه داد و امید را به دلها برگرداند . نرسو پینز پانندول شد . این پانندول با ۷.۸ متر سقوط توام بود . بنابراین ، داوران مسابقه را تعطیل کردند و تعداد حمایت های میانی را از ۷ به ۹ افزایش دادند . نفر چهارم و پنجم در وقت استاندارد از عهده تمام کردن مسیر برنیامدند تا نوبت به نفر ششم از بچه های تهران رسید که در چهار دقیقه و ۴۴ ثانیه در میان کف زندهای متوالی استاد خلع دست خود را به خط پایانی مسابقه آشنا کرد .

در مجموع میتوان گفت که در اولین دور مسابقه فقط ۱۲ نفر یعنی حدود ۴۰ درصد شرکت کنندگان توانستند ، میرا در وقت مقرر به پایان ببرند . بقیه یا به علت پانندول شدن و یا به علت تمام شدن وقت استاندارد از دور مسابقات کنار گذاشته شدند . یک نفر نیز پس از صعود مسافت کمی از صخره از ادامه مسابقه انصراف جست و از سنگ فرود آمد . نکات جالب در دوازدهم ، یکی صعود مهدی شادلو ، سنگ نورد نوجوان ۱۶ ساله همدانی بود که با تجربه کم و سن اندکی که داشت تحسین همگان را مبار آورده . متاسفانه ، او در ۲۵ متری پانندول شد . وی می تواند یکی از امیدهای آینده باشد . اتفاق بعدی ، پانندول شدن داور آهگر عزیززی ، سنگ نورد برجسته و قوی پنجه تهرانی بود که از ابتدا با محاسبه غلط و زیر فشار تماشاچی ها که او را به سرعت بیشتر تشویق می کردند ، پانندول شد و پانندول شدن وی همه هنوردان وی در تیم تهران را شوک زده کرد و طعم تماشاچی را تلخ کرد . نکته دیگر سرعت

اوج در مطبوعات



سومین شماره «اوج» نشریه گروه کوهنوردی تهران - تیرماه ۷۰ - منتشر شد، در این شماره، بچهای بی ادعای اوج، ضمن مصاحبه با سه مربی کوهنوردی، به موقعیت کنونی ورزش کوهنوردی می‌پردازند.

«اوج» با چاپ گزارش صعود تیمی گروه کوهنوردی پیام به قله «کلیمانجارو»، با محسن مشایخی سرپرست گروه پیام پیرامون چگونگی فتح این قله مصاحبه کرده است.

این نشریه همچنین با چاپ گزارشی از یک سفر سبز - از زنجان تا ماسوله - در دیگر صفحات خود طرحی نیز برای تفریحگاه دره دربند دارد.

نشریه اوج در شماره سوم خود ضمن معرفی گروه پر تجربه دماوند، بحثی را پیرامون گرمزدگی و چاره آن پیش می‌کشد. گزارش سومین سمینار دستاورد کاران کوهنوردی ایران نیز در این شماره به چاپ رسیده است.

برای همکاران خود در این نشریه آرزوی موفقیت داریم.

مصاحبه

چیزی شبیه به مجله

کاری شبیه به چاپ

حالا اگر شما هم اوج را در کنار آن مجله‌ای که در خارج از کشور چاپ می‌شود، بگذارید، مثل من به یاد همان ضرب المثل معروف می‌افتید:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از او پرسم که این چون است و آن چون



«باخبر شدیم که شماره ۳ مجله اوج منتشر شد»
مجله ایست ساده، بی‌ریا و بی‌ادعا که با کوشش بچه‌هایی علاقمند، منحصراً زحماتش و عاشق طبیعت منتشر می‌شود.
در یک چنین وانفاسی کاغذ، فیلم، زینک و لیتوگرافی دست‌زده به یک چنین کاری، تنها عشق می‌خواهد. ورودشان را به جامعه مطبوعات خوش آمد می‌گوئیم و موفقیتشان را آرزو داریم.
شکار و طبیعت

کوچک وجود داشت که در مجموع بعلت تجربه کم ما در این زمینه قابل اغماض است. اما، معیارهای سابقه از مواردی است که انکی جای بحث دارد. معیارهای سابقه از نوعی بود که می‌توان بدان لفظ " کمی " داد. اتمام مسیر مرحله اول در زمان تعیین شده و یا ارتفاع بدست آمده در مرحله دوم، هر دو از نوع کمی بودند. اما، قضاوت زمانی دقیق تر می‌بود اگر معیارهای کیفی را نیز با آن توأم می‌کردیم. از زمره این معیارها می‌تواند استیل و راحتی صعود و راندمان سنگ نورد باشد. استیل، سبک و روشی است که یک سنگ نورد را از سنگ نورد دیگر متمایز می‌کند و قدرت و نرمش بدنی وی را اندازه می‌گیرد و راندمان از تقسیم مسافت طی شده بوسیله هر سنگ نورد بر زمان صعود بوسیله وی بدست می‌آید. امید است که در سالهای بعد، عوامل بیشتری در امر قضاوت ملاک و معیار قرار گیرد.

سابقات سنگ نوردی نشان داد که برای اعتلا و پیشرفت سنگ نوردی در کشورمان باید به دیدارهای خارجی اهمیت بیشتری بدیم و بسان سایر رشته‌های ورزشی، تیم‌هایی را برای انجام مسابقات به کشورمان دعوت کنیم تا تجربه و انگیزه بوجود آید و تداوم یابد. همچنین لازم است که مربیانی را از خارج دعوت کنیم و از آخرین روشها و دانش فنی در این رشته سود جوئیم. حال که شروع کرده ایم، باید دو اسبه پیش برویم. کار را یا نباید کرد یا باید بطور کامل از عهده برآمد. و هر دو این کارها، یعنی دعوت تیم خارجی و آوردن مربی، به دیواره ممنوعی احتیاج دارد تا بتوان در اوقات سرما، در زیر سقف، به تربیت جوانان ادامه داد. و سر آخر نباید از یاد ببریم که اکثریت نفرات شرکت کننده فاقد کفش سنگ نوردی بودند و این خود نشانگر کمبود وسایل در داخل کشور است و آیا زمان آن نرسیده است که به رفح این کاستی‌ها اهتمام ورزیم ؟

صعود، غلامرضا محمودی از باختران (۳ دقیقه و ۲۵ ثانیه) و جلال چشم‌قصابانی از همدان (۳ دقیقه و ۰ ثانیه) بود.

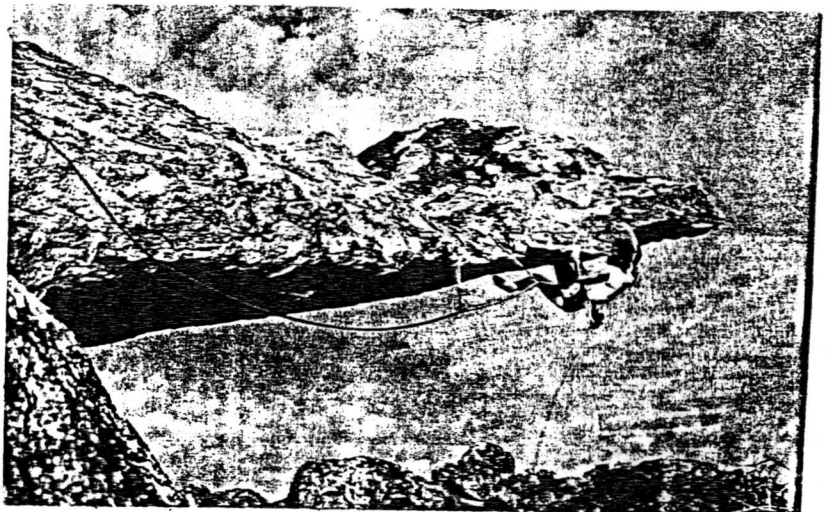
دور دوم سابقه در مسیر ثانویه در ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شد و ۱۲ نفر سنگ نورد منتخب مرحله اول بیای صخره آمدند. وقت استاندارد در این مسیر ۳ دقیقه بود. بایستی ۶ نفر که به ارتفاع بالاتری از بقیه دست می‌یافتند از میان ۱۲ نفر شرکت کننده به عنوان اعضای تیم ملی انتخاب می‌شدند. مسیر در انتها دارای شیب منفی بود و بنظر نمی‌آمد در مدت کوتاه سابقه، هیچیک از سنگ نوردان بتوانند کل مسیر را بپیمایند و به پایان برود. همین طور هم شد و حداکثر ارتفاعی که بدست آمد از آن غلامرضا محمودی از باختران بود که ۲۱/۵ متر گزارش شد. ترتیب نفرات برنده و طول مسافت:

نام و نام خانوادگی	استان	ارتفاع	جایگاه
غلامرضا محمودی	باختران	۲۱/۵ متر	نفر اول
حمید اولنج	همدان	۲۰/۶۰ "	نفر دوم
جلال چشم‌قصابانی	همدان	۲۰/۵۰ "	نفر سوم
ناصر رور ماسوله	تهران	۱۹/۵۰ "	نفر چهارم
مهدی فتاحی	تهران	۱۸/۵۰ "	نفر پنجم
فریبرز حسینی	باختران	۱۸/۲۰ "	نفر ششم

به این ترتیب، از سه منطقه سنگ نوردی کشورمان یعنی باختران، همدان و تهران با یک تقارن شگفت‌آور ۲ نفر از هر منطقه و جمعا " ۶ نفر به پایان سابقه صعود کردند و به عضویت اولین تیم ملی سنگ نوردی کشورمان درآمدند.

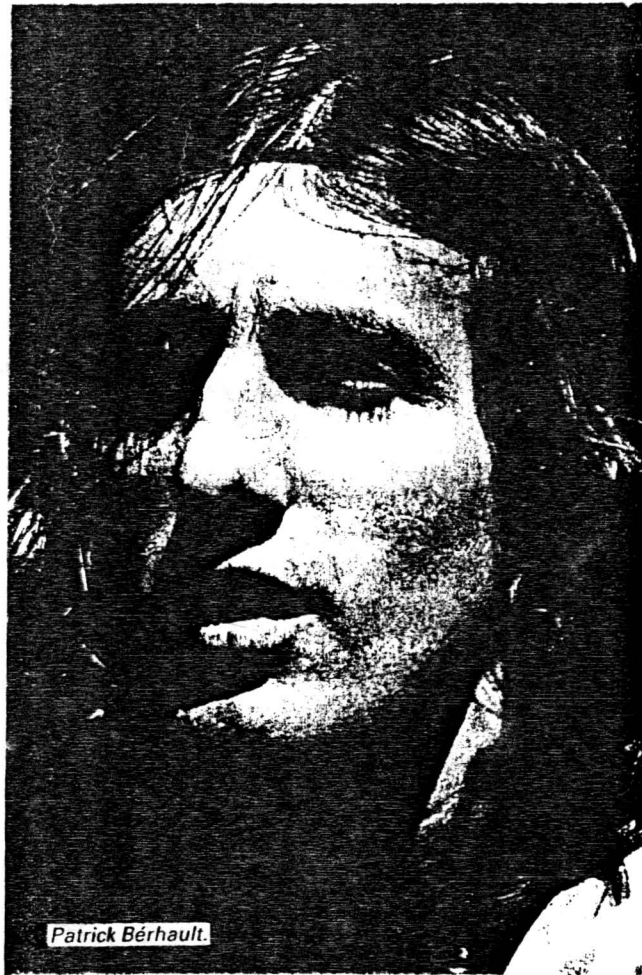
آفرین به همه جوانان وطن و آفرین بر بچه‌های سخت کوش و پر قدرت شهرستانی.

در ورزشیابی کلی سابقه، نقیصی در زمینه تدارکاتی، تک بودن زمان گیری و یا چشم پوشی از بعضی خطاهای



پاتریک برهالت ، سنگ نورد برجسته فرانسوی ، آدمی بسیار افتاده و فروتن است و اغلب اوقات از مصاحبه می‌گریزد. وی به خلق شاهکارهای بزرگی روی آلپ و در سنگ نوردی مدرن پرداخته است . مسیرهایی که او صعود کرده است از جمله مسیرهایی است که کمتر کسی توانسته است حتی به فکر صعود به آنها باشد . در سالهایی که وی کنار سنگ نوردی را آغاز کرد ، روشها و وسایل سنگ نوردی در سطح ابتدایی قرار داشتند . با این وجود او براحتی این مسیرهها را که در درجه بندی E7 قرار داشتند ، در می نوردید . درجه سختی دیواره ها و سرعت وی در صعود آنها و کار انفرادی وی در آن سالها باعث بهت و حیرت همگان می شد . بدون اغراق می توان گفت که سرعت او روی سنگها به " انفجار " مانند بود . وی روی سنگ صعود نمی کرد ، بلکه مانند ماری می خزید و به چشم همزدنی بالا می رفت . در آلپ - در اویسانس و شامونیکس - و در هر جای دیگر چنان سریع و راحت صعود می کرد که بازیچهها را به نمایش می گذارد . از آن زمان دیری می گذرد و پاتریک در طول سالها کار و تلاش ، تکنیک و قدرت خود را افزایش داد و از نام آوران سنگ نوردی جهان بشمار می رود . در طی مصاحبه زیر که توسط خبرنگار مجله " مونتاین " انگلیسی انجام گرفته است ، با دیدگاههای وی آشنا می شویم . در عین حال ، باید اضافه کنیم که این مصاحبه تقارنی نیز با برگزاری مسابقات سنگ نوردی و انتخاب تیم ملی کشورمان داشته است و ما امیدواریم که درج مقالاتی از این گونه بتواند به اعتلای سنگ نوردی و بهبود نظرات مسئولان فدراسیون کمک رساند .

من می خواهم روی مزروعاهم زندگی کنم.



Patrick Bérhault.

ترجمه : مسعود خرم رودی

خبرنگار مجله مونتاین : چه چیز باعث شد که شما در اواخر دهه ۷۰ میلادی آنچنان سریع و عالی صعود کنید؟
پاتریک : دلیل ساده و واضحی دارد . من می خواستم آن کارها را بکنم و احساس می کردم که توانایی انجام آن ماجراجوییها را دارم . آن زمانها کار هر روز من تمرین

بود و به سختی هم تمرین می کردم . سعی می کردم که قدرتها حفظ کنم ، هر روز پس از سنگ نوردی به دو می پرداختم . به عنوان مثال يك روز زمستانی را به یاد می آورم که برای تمرین سنگ نوردی با اولینگر به اویسانس رفته بودیم . در آن زمان ما هر روز به سنگ نوردی و تلاش روی صخره ها می پرداختیم . صعود

زمستانی ما روی مسیر پلاک یخی در جبهه شمالی آیل فریود حدود ۲۳ ساعت طول کشید . آن شب که ما به کمپ پیش دوستان بازگشتیم و مستقر شدیم اولینگر با تبسم گفت : " ما امروز به حد کافی تمرین نکردیم هنوز يك ساعت دیگر باقی است . اینطور نیست ؟ " این موضوع باعث خنده ما شد . این يك

با محیط است . در مورد يك سنگ نورد هم همین است اصولاً " باید بتوان در هر شرایط خاص تلاشها و اعمال مربوط به آن را انجام داد . شما می توانید کسانی را بیابید که در حد خود می توانند با انواع سنگ نوردیها و کوهنوردیها کنار بیایند . دیگران فقط به این دلیل وحشت زده می شوند که فکر می کنند این کار خارج از توانائیهای عادی آنان است - مردمی که می ترسند وقتی با مسائل پیش بینی نشده روبرو می شوند نمی دانند چه باید بکنند . سنگ نوردی و کوهنوردی تماماً " ماجراجویی و سازگاری با محیط است . اولی مجموعاً " از يك عامل ریسک و خطر جوشی برخوردار است که شما باید سعی کنید و بر آن غلبه کنید البته هر کس سبک و عقیده خود را دارا است و محدودیت های بدنی نیز برای اشخاص متفاوت است . ما همگی آزاد هستیم ولی معمولاً " هر کاری را که بخواهیم نمی توانیم انجام دهیم .

خبرنگار : از میان کوهنوردان رایتپولد سنر اولین کسی بود که يك دگرگونی در سنگ نوردی را پیش بینی کرد (منظور صعود سنگ با درجه ۷ است) . شما سعی کردید و با سعی و تلاش خود این پیش بینی را تحقق بخشیدید . با این کار شما عملاً " يك پیشگام و رهبر در این زمینه بشمار می روید . پیشگام بودن کار ساده ای نیست نظر شما چیست ؟

پاتریک : تجربه چیزهای نو ، بدنبال راه حلها گشتن (البته در حد توانایی) ، طبیعی بودن (همراه با بازگشت به اصل) ، خلاقیت و ماجراجویی ، چیزهایی هستند که مرا بخود علاقه مند می کنند . اینها تماماً " چیزهایی نیستند که به سختی بدست آیند . بنابراین با داشتن اینها من خوشبخت هستم و لذت و خوشی عظیمی از اینها برده ام .

به عنوان یکی از سنگ نوردهای عصر جدید که در دگرگونی سنگ نوردی سهمی داشته ام در ارتباط با مردم ممکن است گاهی دچار مشکل بشوم و مسائلی داشته باشم ، که البته مانند سنگ نوردی و کوهنوردی حتماً " راه حلهایی برای این امر وجود دارد که باید با استفاده از توانائی های در حد ظرفیت آنها را تجزیه و تحلیل کرده و با آنها کنار آمد . برای بیان ساده تر باید بگویم که بجای سنگ و یخ و کوهنوردی و سرمایه متر این است که شما بسوی مردم بروید و با آنها کنار بیایید .

● من يك مدعی ضد مسابقه نیستم و وقتی که از خودم می پرسم چرا در مسابقه شرکت نمی کنم، جواب قانع کننده ای دارم

● وقتی که به برنامه می روم سخت ترین چیز برای من اینست که خانواده ام را ترک می کنم

مبارزه بود ولی آنشب دیگر نمی توانستیم کار کنیم . همه خوابیده بودند . این مثال می تواند نشانه قدرت تحرک و فعالیت ما در آن زمان باشد . ما آن زمان واقعاً " مشتاق سنگ نوردی بودیم . تمرین های هر روزه به من يك حربه ، عالی در صعودهایم داده بود و همچنین يك دیدگاه متفاوت از آنچه در آن زمان مورد قبول همگانی بود . من در آن زمان هرگز قدم فقط سرعت در سنگ نوردی نبود . در آن وقت واقعاً " سبک و راحت صعود می کردم و در نتیجه سرعت من نیز بالا می رفت . ولی بفکر مسابقه نبودم . آن وقت من دارای آمادگی بودم و هر روز هم خودم را آزمایش می کردم من می دانم که آن زمان چه می کردم و همین به من آرامش می بخشد .

خبرنگار : داشتن يك تکنیک عالی در صعودها شای با درجه سختی 6C آن هم در سالهای 1979 اگر چه به نظر غیر قابل قبول می آید ولی در حال حاضر روی سنگها قابل قبول است . اما شما نمی توانید همان بهانه را برای صعود مسیرهای مختلط روی آلپ بیاورید . می توانید ؟

پاتریک : صحیح است ، سنگ نوردی فقط يك نوع نیست شما باید کمی دقیق تر باشید . کارهایی که در مسیرهای سنگ ، کوتاه انجام می شود همان کارهایی نیست که روی مسیرهای کوهنوردی و حتی در بعضی سنگهای بلند بکار می رود . در بعضی از مراحل کوهنوردی باید يك سری از تلاشها با هم تلفیق شوند تا بتوان بر مشکل غلبه کرد . مثلاً " من در بعضی از شرایط بالا رفتن از يك دیواره صاف را به کار روی سنگهای متزلزل ترجیح می دهم و در مورد یخ و برف هم وضع به همین شکل است . کوهپازا به آسانی نمی توان شناخت .

من فکر می کنم که مهمترین مسئله در مورد ارتباط يك کوهنورد و کوهستان همانا ایجاد سازگاری و تطابق

● کوهنوردی و سنگ نوردی تماماً ماجراجویی و سازگاری با محیط است

● به جای سنگ و یخ و کوهنوردی و سرما ، مهمتر اینست که شما بسوی مردم بروید و با آنها کنار بیایید

خبرنگار : چه چیز باعث شد که شما این سبک جدید را در سنگ نوردی ابداع کنید ؟

پاتریک : به سادگی فقط با انجام آن . من هرگز قصد اختراع چیزی را نداشته ام . من مشتاق انجام سنگ نوردی و کوهنوردی بودم بنابراین رفتم و آن را انجام دادم . مهمترین چیزی که وجود دارد این است که شما باید کاری را که می خواهید از راهی که می خواهید انجام دهید . آنگاه موفقیت بر راحتی حاصل خواهد آمد .

اگر کسی آنچه را که شما انجام دادید بکند و اگر هر کسی علاقه داشته باشد آنگاه سبک مطابق علاقه او بوجود خواهد آمد . در حال حاضر اسام من بر سر زبانهاست در صورتیکه تنها من نبودم که این کار را انجام دادم . مردان دیگری نیز در این دگرگونی سنگ نوردی شریک بوده اند مثلاً " فقط در فرانسه ، ژان پیر بوویر ملقب به مرد پرنده ویا کریستیان گیومار و صد البته پاتریک اولینگر که با او بسیار به سنگ نوردی پرداخته ام .

در حال حاضر برای اینکه از عهده استاندارد بالای سنگ نوردی که هم اکنون در انگلستان و آمریکا انجام می شود برآیم خودم را مجبور کرده ام که هر روز سنگ نوردی کنم . در گذشته این امر نه متداول بود و نه ساده بنابراین آن زمان من نه به این تمرینات شدید احتیاج داشتم و نه نگران پیشرفت دیگران بودم . **خبرنگار :** در ابتدای دهه 80 شما در محله کوهنوردی بین المللی مطرح شدید البته شما در قسمتهای متنوعی مطرح بودید . چرا شما از رشته های متنوع در کوهنوردی خویشتان می آمد و در همه آنها فعالیت می کردید بجای اینکه کارتان و نیرویتان را روی يك زمینه خاص متمرکز کنید! مثلاً " روی استاندارد بالای سنگ نوردی همچون اولینگر ؟

پاتریک : من هر چه در اطراف کوه و سنگ نوردی بود

دوست داشتم. همانطور که قبلاً" برای شما توضیح دادم من اکتشافات و تجربه چیزهای نورا دوست دارم. بنابراین من تنوع را دوست دارم. تمرکز روی یک استیل و یا سبک خاص مورد علاقه من نیست در این صورت من احساس محدودیت می کنم. من آزادی و بدون حد بودن را در درجه اول علاقه ام قرار داده ام. زندگی برای هرکس فرق می کند ولی برای من زندگی یک تلاش دائم است برای سازگار شدن با محیط اطرافم، فعالیت من در آلپ نیز فقط گوشه ای از این تلاش است.

یکی از خاطراتم از دهه ۸۰ را برایتان تعریف می کنم:

یک روز فعالیت در زمستان بود. قله ای که در آن زمان مهم بود جبهه جنوبی فار بود. به این شکل که همراه با ژان مارک بوینی دیواره جنوبی را صعود کردیم و پس از اینکه مستقیماً " به شامونیکس بازگشتیم آنرا نیز صعود کردیم. البته در یک صعود پیوسته یک روزه و در آخر هم با کایت به کمپ بازگشتیم. این یک صعود سرعتی بود.

البته من می دانم که دهه کار نمی توانم موفق باشم ولی می دانم که چیزهای زیادی یاد می گیرم.

خبرنگار: در طی سالهای اخیر شما کار با شرکتها و صنایع در ارتباط با کوهنوردی را آغاز کرده اید، کتاب می نویسید، فیلم می سازید و از این قبیل کارها. آیا این کارها برای شما یک زندگی مرفه را فراهم می آورند؟
پاتریک: در واقع من بدون اینکه بخواهم، دارم از فعالیتهای گذشته ام استفاده می کنم، تلاشهایم در گذشته برای من فرصتهایی را پدید آورده است که کمک زیادی برای من هستند. و من اکنون زندگی خوبی را می گذرانم. ولی مهمترین مسئله موجود همانا دوستی، آزاد بودن، و عشق به کاری است که شما انجام می دهید. در دنیایی که همه چیز پول است و حتی نیاز آشکار انسان به زندگی در مکان دوم قرار گرفته است، من اگر پول و ارزش مادی را در جای مناسب قرار نداده باشم مطمئن باشید که آنرا در جای پائین تری قرار داده ام. حتی پیری و فقر نیز که برای بعضی افراد

مساوی با خیلی چیزهاست نمی تواند ذهن من را مشغول کند.

خبرنگار: در سال ۱۹۸۲ شما و کریستیان زندگی مشترک خود را آغاز کردید و پس از مدتی در سال ۱۹۸۴ اولین فرزند شما یعنی کارول متولد شد و حالاً در ۱۹۸۹ فلور دومین فرزند شما. آیا اینها باعث نشده است که زندگی ورزشی شما به عنوان یک سنگ نورد و کوهنورد فرق کند؟

پاتریک: مد البته زندگی خانوادگی من تعداد برنامه های مرا کاهش داده است. سخت ترین چیز برای من وقتی که به برنامه می روم این است که خانواده ام را ترک می کنم. اما آنها تغییر اساسی در فعالیت های من نداده اند. این حقیقت دارد که انجام ریسک در کارهای من کمتر شده است. اما این کاهش و تغییر به دلایلی بستگی دارد که قبل از به میان آمدن پای کریستیان و کارول وجود داشته اند.

اول از همه در ارتباط با خودم، عجول بودن و بی احتیاط بودن و از روی اراده خطر کردن، در حالیکه قادر به شناخت و مشاهده خطر هستید، دیگر مرا علاقه مند نمی کند و به نظرم کار بیپوده ای می آید و به نظرم نمایانگر نبود عقل و هوش در شخصی است. برای کسانی که با من آشنا هستند این حرف نشانه خودپسندی و خودخواهی نیست. ولی در ارتباط با کوهستان و کوهنوردی به نظرم آید که کوهستان با ما صحبت می کند. او به ما می آموزد که از چه ساخته شده است و در آن ممکن است چه اتفاقاتی بیفتد. به هزار یک دلیل و به نظر من کوهستان چنین رفتاری با ما دارد. ما باید با تمام قوا برای خودمان و اطرافیانمان یاد بگیریم که چگونه تا حد ممکن به آنچه که می دانیم عمل کنیم. البته من نمی گویم که بکلی از ریسک دوری کنیم ریسک داریم تا ریسک و اختلافی که اینها را از هم جدا می کند بسیار ظریف است.

خبرنگار: مدت کوتاهی قبل از اینکه سازمان رسمی مسابقات سنگ نوردی بوجود آید شما و گروهی از سنگ نوردان اعلامیه ۱۹ را امضاء کردید. وقتی که مسابقات سنگ نوردی به اجرا در آمد شما فهمیدید که

در عمل کردن به مفاد اعلامیه تنها مانده اید و در حال حاضر شما هیچگونه مشارکتی در مسابقات ندارید آیا می توانید اطلاعات مختصری راجع به این مسئله و علت آن به ما بدهید؟

پاتریک: وقتی این پیشنهاد از طرف عده زیادی از کوهنوردان پارسی به من شد که اعلامیه را امضا کنم من از روی دوستی این کار را انجام دادم ولی نمی دانستم که اینقدر مهم است. چیزی که برای من مهم بود همان دوستی و رفتار ما در قبال یکدیگر بود و نه امضاء ها که ممکن بود بعضی ها انجام بدهند و بعضی نه.

حال اگر من نخوانتم در مسابقات شرکت کنم هیچکس نیز نتوانست مرا مجبور به آن کار نکند نه آقای ثروت و نه خانم شهرت. من یکی از معدود کسانی بودم که از ابتدا با آن اعلامیه مخالفت می کردم و در حال حاضر هم جزو معدود امضاء کنندگانی هستم که هنوز به سیستم مسابقات نپیوسته اند و به مسابقات سنگ نوردی باور ندارند. من یک مدعی ضد سابقه نیستم و وقتی هم که از خودم می پرسم چرا در مسابقه شرکت نمی کنم، برای خودم جواب قانع کننده ای دارم هرگز ابتدا احساسات خود را تجزیه و تحلیل می کند و سپس به سمت عمل کردن آن پیش می رود امروزه کسانی که تصمیم به سنگ نوردی می گیرند جزو افراد بزرگسال محسوب می شوند ولی از طرفی پیشرفت و رواج سنگ نوردی به عنوان یک مسابقه این معنی را می دهد که باید با بچه ها شروع کنیم و سنگ نوردی را از مدرسه آغاز کنیم. بنابراین این یک داستان جدا می شود و در آن صورت انتخاب آزادانه سنگ نوردی یک واژه بیشتر نمی شود.

خبرنگار: حتی خیلی پیشتر از اینکه مسابقات سنگ نوردی رواج پیدا کند شما یکی از کسانی بودید که گفتید و در عمل نیز نشان دادید که سنگ نوردی خیلی بیش از مسابقه و قهرمان شدن است. اما اغلب سنگ نوردان اروپایی به فکر رسیدن به مسابقات سنگ نوردی و انجام بهتر این مسابقات هستند. آیا شما فکر نمی کنید که افراد جوان دارای تمایلات دیگری باشند؟

پاتریک: البته افکار و نظرات متفاوتی وجود دارد، به نظر می رسد که افراد جوان با سنگ نوردی خودشان کلیه فعالیتها را کنار گذاشته اند. سنگ نوردی برای آنها همه چیز است و پایان همه چیز نیز هست. از طرف دیگر اینطور به نظر می رسد که سنگ نوردی مسابقه ای راه ساده ای برای برنده شدن و موفق شدن است در صورتیکه به نظر من مسابقات یک محدودیت است. در حقیقت سنگ نوردی و کوهنوردی برای ما

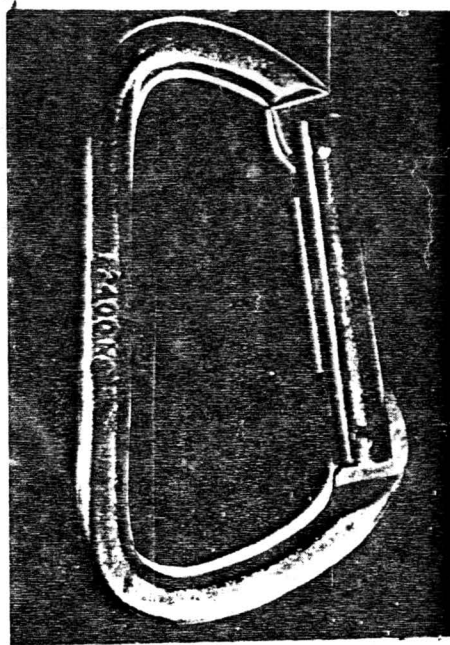
● برای اینکه از عهده اسنادهای بالای سنگ نوردی برآیم خودم را مجبور کرده ام که هر روز سنگ نوردی کنم

● شخص باید تا حد ممکن شایسته بودن با طبیعت و اجزای آن باشد

با کمبود وسایل کوهنوردی چه باید کرد؟

باسم کمالی

مساله کمبود وسایل کوهنوردی از زمره نارسائی ها و کاستی هائی است که در کنار سایر مشکلات نظیر فقدان پناهگاهها و جان پناهها در سطح وسیع ، کمی برنامه های آموزشی و ارتباطات بین المللی ، ضعف روابط داخلی گروههای کوهنوردی و غیره و غیره جامعه کوهنوردی کشور را آزار می دهد . گاه کمبود وسایل و یا قیمت های گران آن که باعث عدم خرید و تهیه آن از جانب کوهنوردان می شود ، موجب وقوع پیشامدها و حوادث سوئی نیز شده است . بهر صورت ، اوج ، بخاطر دریافت و شناخت علل این کمبودها و ارائه راه حل ها ، به محاسبه و گفتگو با بعضی از کوهنوردان (به عنوان مصرف کننده) و برخی فروشگاههای ورزشی (به عنوان تولید کننده یا توزیع کننده) برخاست . نظراتی که در زیر می خوانید ، حاصل این محاسبه می باشد . امید است که طرح مواردی از این دست ، موجب توجه بیشتری از جانب مدیریت فدراسیون کوهنوردی کشور به عنوان مقام مسئول این امر ، در حل مسائل و رفع کاستی ها گردد و ثمره آن پشرفت کوهنوردی را در کشورمان ببار آورد .



اوج : آقای جنفر جوهری ، شما که از سنگ نوردان خوب ما هستید ، در مورد کمبود وسایل کوهنوردی که چند سالی است گریبانگیر ما شده ، چه نظری دارید ؟
جوهری : اصولاً ، کمبودها را می توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد . کمبودهای عام ، شامل اقلام عمومی می شود که سطوح مختلف کوهنوردان با آن سروکار دارند مانند کوله پشتی ، کفش ، جوراب ، البسه و غیره اما کمبودهای خاص آن دسته از اقلامی را در بر می گیرد که خاص قشر محدودی از کوهنوردان می باشد . مانند وسایل سنگ نوردی یا غارنوردی . بهر صورت ، من مجبورم در مورد هر یک از این اقلام نظرم را بگویم تا روشن شود که عیب و نقص از کجا ناشی می شود :

پوشاک هم به تولید و هم به توزیع بر می گردد . اصولاً قادر به تولید پوشاک مناسب کوهنوردی نیستیم . البته این امر به صنایع نساجی کشور برمی گردد . مثلاً پارچه گورتکس که در عین قابلیت تنفسی ، حرارت بدن کوهنورد را حفظ کرده و مانع نفوذ رطوبت به بدن می شود ، در ایران تولید نمی شود و ورود آن از خارج کشور نیز بعلت گرانی ارز ، بسیار گران تمام می شود . نتیجه اینکه کوهنوردی زمستانی بعلت پوشاک نامناسب همیشه با دشواری های بسیار روبرو بوده است . آنچه که هم در دسترس است فوق العاده گران است (نوع خارجی) و نوع داخلی آن که از پارچه واترپروف تهیه شده ، قابلیت تنفسی ندارد . در مورد مشکل توزیع ، می توان گفت که شهرستانی های ما به ایمن اقلام در سطح شهر خودشان دسترسی ندارند و باید برای هر چیزی راه بیفتند و به تهران بیایند .

پوتین :

پوتین های ساخت داخله در زمستان قابل استفاده نیستند . پوتین بزرگ پا نداریم . قیمتها بسیار گران هستند و با بودجه و جیب کوهنورد که غالباً از اقشار کم درآمد هستند هماهنگی ندارد .

جوراب :

جوراب های داخله از مواد نفتی است و حساسیت بوجود می آورد . با در اثر عرق کردن در این جورابها تاؤل می زند .

و آن طرف می لغزد و گاه در روی سنگ های یخ زده می تواند موجب پرت شدن کوهنورد گردد . کوله های ساخت داخل ، قابلیت تغییر سنگینی و وزن روی پشت را نیز ندارند . سگک های آنها نیز مناسب نیست . من نمیدانم که چرا تولید کنندگان ما قادر نیستند کوله خوب و مناسبی تهیه کنند . علیرغم اینکه مدل والگوو شابلون این کار یعنی کوله های خارجی در دسترس شان قرار دارد و مصرف کننده داخلی نیز حاضر است پول خوبی برای این جنس بدهد . با این وجود ، ساخت کوله در داخل کشور با نمونه های خارجی آن اصلاً قابل مقایسه نیست .

پوشاک :

مساله پوشاک ، از اهمیت دوم برخوردار است .

به تولید کننده داخلی بر می گردد؟ به مدیریت کوهنوردی مربوط می شود؟ ناشی از مشکلات ارزی است؟ ناشی از فقدان روحیه ابتکار و نوجوئی در تولید کننده داخلی است؟ به شبکه توزیع بر می گردد؟ و یا موارد دیگر . بنابراین ، اجازه بدهید از کمبودهای عام شروع کنم و نقش هر یک از اقلام آنرا بگویم :

کوله پشتی :

کوله پشتی از اقلامی است که هر کوهنوردی در هر سطح و قشری با آن سروکار دارد . کوله پشتی از حیث ایجاد خستگی و یا ایجاد تاثیرات ناگوار روی بدن از اهمیت خاصی برخوردار است . کوله پشتی های ساخت داخل ، بعننا " آراسته است اما بازدهی ندارد . ضعف عمده آن در ناستواری روی پشت است که به این طـسرف

حال بر می گردیم به وسایل اختصاصی :

درمورد غار نوردی ، کمبوندهای اساسی از حیث پوشاک و کفش و چراغ داریم . لوازم اختصاصی سنگ نوردی بسیار بسیار کم پیدا می شود مانند " فرند " یا " یوکر " یا طناب ۵ میلی متری ، کتانی سنگ نوردی و نظایر آن .

اوج : آقای جوهری ، اجازه بدهید بهمین جا بسنده کنیم مشت نمونه خروار است . درمورد کمبوندها و کاستی ها همه متحد القولیم . راه حل چیست ؟

جوهری : بنظر من ، اقلام کوهنوردی ، علاوه بر تاثیرات آن روی پیشرفت این ورزش ، از جنبه اقتصاد ملی دارای اهمیت وسیع است . شما نگاه کنید و ببینید ۱۶۷۰ اقلام کالا در رشته های مختلف کوه پیمائی وجود دارد و تولید و مبادله اینها چه حجم وسیعی از مبادلات پولی و کالایی را شامل می شود . اصولاً " فعالیت کوهنوردی در کشورهای خارج شامل تولید مصنوعات کوهنوردی ، فروش و توزیع آنها ، آموزش مبتدیان ، راهنمایی مردم به مناطقی کوهستانی مختلف توسط افرادی که " گاید " نامیده می شوند ، مسائل مربوط به بیمه و انتشارات و تبلیغات و غیره و غیره ، بخش عمده ای از اقتصاد ملی آنها را تشکیل می دهد . و ملاحظه می کنید که این بخش در اقتصاد کشور ما چقدر ضعیف است و چه جایگاه بی اهمیت و نامناسبی را اشغال کرده است . علیرغم اینکه کشور ما دارای استعداد های انسانی و طبیعی بسیاری در این زمینه است و می تواند درآمد ارزی خوبی را در این رشته از حیث صادرات کالا و جلب توریست جذب کند . متأسفانه وضع این چنین هست که ملاحظه می کنید ؟ چگونه انتظار دارید که کوهنوردی کشور ما در خلاء و در وجود اینهمه کم و کاست رشد کند ؟

برای حل این مسائل ، لازم است که در شرایط کنونی ، فدراسیون با تولیدکننده های داخلی همکاری کند . بدین معنی که جنس مناسب را با ارز رقابتی بدست آنها برساند . با ارز آزاد وضع همین است که هست . نکته دیگر این که در سمنار خرداد ماه مسئولان کوهنوردی کشور مطرح شده که مقادیر زیادی وسایل کوهنوردی در گمرگ تهران بصورت کالای متروکه وجود دارد . چرا فدراسیون این اقلام را ترخیص نمی کند و در اختیار کوهنوردان قرار نمی دهد ؟

همچنین ، در انبار فدراسیون مقادیر زیادی وسایل فنی وجود دارد که فدراسیون به هیچیک از کوهنوردان که به برنامه های سنگین زمستانی رفته و یا می روند اجازه استفاده نمی دهد . فقط بعضی از خواص اجازه استفاده دارند . مگر فدراسیون کلوب و باشگاه اجرائی است که احتیاج به وسایل فنی داشته باشد ؟ حالا هم که



دارد چرا اجازه نمی دهد ؟

بنظر من ، یکی از مهمترین وظایف فدراسیون ، تهیه استاندارد برای تولید کالا های کوهنوردی در داخل کشور است . فدراسیون بجای برنامه های اجرائی باید به اینگونه تحقیقات و بررسیها و تشویق تولیدکنندگان داخلی و حل مسائل آنها بپردازد .

اوج : با تشکر از شما آقای جوهری ، بگذارید رفیق تان آقای هادی ایرانی که در کنار شما ساکت نشسته اند نیز چند کلمه ای بگویند .

ایرانی : متشکرم . من چیز زیادی برای گفتن ندارم . فقط بنظر من می رسد که بعضی از اقلام کوهنوردی در تعرفه گمرکی کشور دارای محدودیت و روم می باشد . بهتر است که فدراسیون کوهنوردی ، بعنوان ارگان مسئول ، حذف این محدودیتها را به وزارت بازرگانی پیشنهاد کند تا اقلام مورد نیاز آزادانه وارد شده و در اختیار کوهنوردان مشتاق قرار گیرند . شما نگاهی به بازار دست دوم اقلام کوهنوردی بیفکنید و ببینید اجناس قراضه و غیر قابل مصرف ، بعلت فقدان وسایل نوبه چه قیمتی بین بچه های کوهنورد خرید و فروش می شود . این نشانه چیست ؟ آیا جز کاستی و کمی ؟ چه باید کرد ؟ جواب خیلی ساده است : بعضی اقلام را در داخل می توان تهیه کرد و باید وسایل تشویق تولیدکننده داخلی را فراهم آورد و دولت مسئول است که در این جهت برنامه ریزی کند و بعضی هارا که نمی توان در داخل تولید کرد ، باید



اجباراً " اجازه ورود داد . تا کی می توان از کمی و کاستی نالید و چشم انتظار و محروم باقی ماند ؟
اوج : با تشکر از شما آقایان جوهری و ایرانی مباحثه را پایان می دهیم .

راه می افتیم و به سراغ " کوه - اسکی " که یکی از تولیدکنندگان داخلی و از منابع عمده توزیع اقلام کوهنوردی است ، می رویم و استفسارات و سئوالاتمان را با مدیر کارگاه و فروشگاه ، آقای عبدالله عزیزی ، مطرح می کنیم .

اوج : آقای عزیزی خسته نباشید . در رابطه با کمبود وسایل کوهنوردی ، علل و چگونگی رفع این کمبودها سئوالاتی داریم که اگر اجازه بدهید و مانع کار شما نباشیم ، مطرح کنیم :

عزیزی : اختیار دارید ، در خدمت شما هستیم . ما به تولید اقلام کوهنوردی فقط بصورت یک " حرفه " نمی نگریم ، این بخشی از زندگی و عمر ما است که در این راه طی کرده ایم . بنابراین ، هر قدمی که بتواند موجب رفع نارسائی ها و پیشرفت این ورزش شود ، با دل و جان در اختیاریم .

اوج : مشکل تهیه مواد اولیه در داخل کشور چیست ؟
عزیزی : جنس خوب و مرغوب و دارای کیفیت مناسب در دسترس ما قرار ندارد . ما گاهی " بعضی از تولیدات خود را بدلیل نبود جنس مناسب متوقف می کنیم . مواد اولیه تولید داخلی از نظر رنگ و استقامت مشکل دارند . یک جنس خوب بدلیل کار در طبیعت باید در مقابل نور آفتاب ، باران ، شستشو و مسائل دیگر استقامت داشته باشد . قیمت هم در تدارک کالا تاثیر بسزائی دارد . برای مثال برزنتی که در افغان تولید می شود ، متری ۴۲۰۰ ریال است ، ولی برزنت کوره ای با کیفیت بهتر متری ۴۰۰۰ ریال ، اما ما بخاطر اینکه بازار تولیدات داخلی را رونق بخشیم از داخل خرید می کنیم که متأسفانه کارخانه آن هم تعطیل شد . عمده مصرف ما در درجه اول پارچه و در درجه دوم الیاف - ویکوز - نوار ، زیب و سگم می باشد که تولیدات داخلی در مواردی خوب و در مواردی نامرغوب اند . مثلاً " نوار ساخت ایران مرغوب است ، ولی سگم نامرغوب می باشد و ما بعضاً " بعلت مشکلات وارداتی از کالای ساخت داخل استفاده می کنیم .

اوج : مشکل ورود کالا چیست ؟
عزیزی : عمده مشکل به قیمت ارز بر می گردد . بعلت قیمت بالای ارز آزاد هیچ تولیدکننده داخلی برای

یک تجربه

تاینان اسال با گروهی از سجه های کوهنورد به فند زیبای "درنگ" رفتیم. در فند، در مسیر نهران بر بالای شهر زلزله زده رودبار قرار دارد و از کف جاده اصفهانه، قلعه سنگی برف نشسته آن دیده می شود. برای رفتن به درفند باید از رودبار به دست راست بیچی و از روی بل فلزی طول رودخانه گذری تا سه روستای شیرکوه برسی و از آنجا صعود را آغاز کنی. راه از میان جنگل زیبا و انبوه و بکر می گذرد و بر از تنوع و دیدنی های بسیار است. از شگفتی ها این است که جنگل درفند علیرغم سرسری و طراوت باشکوهش، بسیار کم آب است. و ما در طول راه فقط صدو نقطه سرخوردیم که به آب دسترسی بود. یکی همان آندان و دیگری چمنه ای که باید آنرا قطره چکان نامید، در ابتدای راه.

رطوبت جنگل و اشباع هوا و گرمای روز، عرقمان را درآورده بود و برای قطره ای آب له له می زدیم. در نمریز به قلعه رسیدیم و پس از خوردن غذایی و انگلی آسایدنی به پائین سرازیر شدیم. کمی از رسیدن به قلعه، مه غلیظی هوا را پوشانده بود که وقتی به قلعه رسیدیم بالای آن قرار گرفتیم، اما وقتی نوبت بازگشت شد دوباره درمه فرو رفتیم.

در بازگشت، جلودار گروه برای کوتاه کردن مسیر در میان همان مه غلیظ، در راهی که از میان سنگها می گذشت، میان بر و به زبان کوهنوردان "سراورس" کرد. همین کار باعث شد که ما مسیر آمدنمان را گم کردیم. این گم شدن ۱۶ ساعت ادامه یافت. تو خود

حساب کن که ما با بی آبی و خستگی و اضطراب و وحشت گم شدن چه سر درمان گذشت. بچه ها همه حساب و عصبانی شده و به گفترس چیری بیکدیگر می پریدند و بیکدیگر را مقرر می دانستند. وقتی که بطور کمالاً "تصادفی" راه قبلی را پیدا کردیم، انگار که خدا جان دوباره به همه ما داده است. فریادی از خوشحالی کشیدیم و همدیگر را در آغوش گرفتیم. اینجا بود که سریرت پرتامه، گوله خود را باز کرد و تشنگانمان به بر آس که تاکنون از نظر همه پنهان بود و روی چیلری در پاره آن نکتف بود. بیرون کشید و بهت ما داد بسا جرعه ای آب ساغاسم.

ما از این تجربه دو درس گرفتیم: نخست آنکه در میان سه سراورس نکتف و دیگر آنکه برای مسائل ناشناخته، تشنگانمان اضافه بر مصرف خود همراه داشته باشیم که می تواند در موقع خود جایی را نجات دهد.

بنظر می رسد که ابداع و ابتکار در بازار داخل در سطح پائینی قرار دارد، در حالیکه در خارج کشور می بینیم که هر روز کالای نوئی تولید شده و روانه بازار می گردد و یا در تکنیک و اصلاح فرآورده های پیشین دانشما "کوشا" هستند. چرا، امر نوآوری اینهمه در کشور مانقصمان دارد.

عزیزی: جواب در یک جمله ساده، محدودیت بازار و فقدان رقابت است. اما اینطور نیست که تولید کنندگان داخلی اصولاً ابتکاراتی نداشته اند. چون اکثر تولید کنندگان داخلی، خود کوهنورد بوده و هستند، با جزئیات و نارسائیها سروکار دارند و آنرا لمس و احساس می کنند. بنابراین در فکر چاره جویی و پیشرفت قتی هستند. ما دانشما سعی در بهبود کیفیت کار خود و ایجاد محصولات بهتر از گذشته داریم. می توان دید که درکل، فرآورده های کوهنوردی از لحاظ فنی، استقامت و کارکرد پیشرفت نمایانی داشته اند. اما مشکل، همانطور که گفتم علاوه بر محدودیت بازار و عدم وجود رقابت (به شکلی که در کشورهای خارج وجود دارد)، به کمبود مواد اولیه و تجهیزات و وسایل کارنیوسز برمی گردد. فقدان این وسایل ما را در منگنه قرار می دهد و به ناچار در بعضی موارد یک جنس در کارهای مختلف ناهمگون مورد استفاده قرار می گیرد، بنابراین شما چگونه در شرایط محدودیت و کمبود، انتظار ابتکار و نوچویی دارید؟

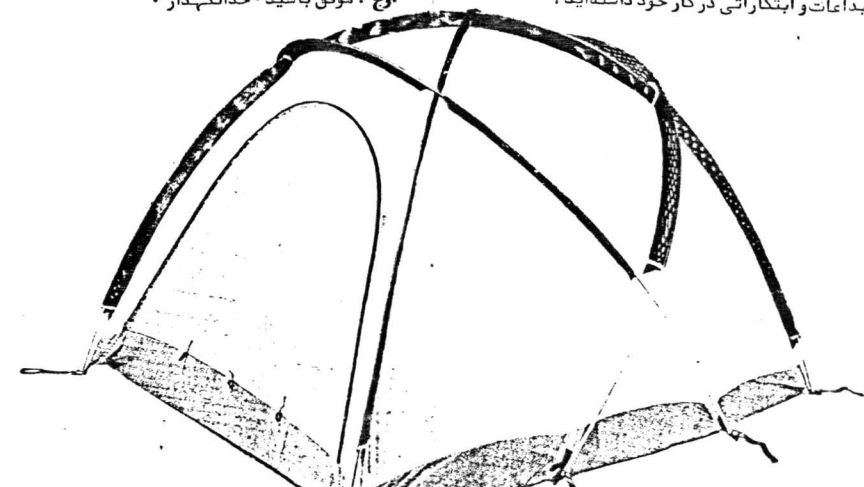
اوج: به عنوان آخرین سؤال، در مورد توزیع چه مشکلاتی وجود دارد؟

عزیزی: مشکل خاصی وجود ندارد. بازار گرم است. فروش ما یابه ارگانهای دولتی و فروشگاهها بصورت عمده فروشی است و یا به صورت تک فروشی به افراد قیمت گذاری نیز با توجه به هزینه عوامل تولید مانند جنس و فرد انجام می گیرد. ولی ما مستمرا "قدرت خرید نهایی مصرف کننده را در نظرمی گیریم تا قادر به ارضای احتیاجات هموطنان خود باشیم. اوج: موفق باشید. خدانگهدار.

تامین مواد اولیه و پاره ای مایحتاج دیگر، اقدام به وارد کردن جنس نمی کند. خود ما با اینکه دارای کارت بازرگانی برای کالای ورزشی هستیم، ولی هنگام محاسبه قیمت (کشش تقاضا)، به پیچوجبه قادر و مایل به ورود جنس نیستیم. همچنین مقررات واردات در بعضی موارد طولانی و مشکل است. مثلاً در مورد پوتین، باید سازمان تربیت بدنی نظر بدهد. به لحاظ این مشکلات - ارزش گران و تشریفات خسته کننده اداری - تولید کنندگان داخلی به دنبال ورود کالا و مواد اولیه از خارج کشور نیستند.

اوج: در زمینه تولید انبوه فرآورده های کوهنوردی که می تواند موجب ارزان تر شدن این اقلام شده و همه اقشار کوهنورد را قادر به خرید آنها کند و اصولاً هر اقدام دیگری که می تواند سبب ارزان شدن قیمتها گردد، چه نظری دارید؟

عزیزی: مساله اصلی، مواد اولیه خوب و قیمت ارزان فرآورده های کوهنوردی است. دولت و دست اندرکاران واردات بایستی مواد اولیه را تهیه کرده و طبق شرایط در اختیار تولید کننده داخلی بگذارند و وی را نیز مکلف به فروش به قیمت دولتی نمایند. دوم، رفع محدودیتها ی ورود کالا است. ورود بعضی از اجناس برای ما که تولید کننده هستیم، ممنوع است ولی در بازار با قیمت بالا یافت می شود. باید این محدودیتها در تعرفه بازرگانی از بین برود. یکی از مسائل مهم داخلی در زمینه تولید کالا های کوهنوردی، فقدان یک موسسه نظارت بر تولیدات است. من نمی دانم کدام یک از ارگانهای موجود از قبیل کمیته ملی المپیک، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، فدراسیون کوهنوردی، سازمان تربیت بدنی یا جاهای دیگر مسئولیت این امر را دارند ولی می دانم که باید موسسه ای به تنظیم استانداردها بپردازد و بر تولیدات فرآورده های کوهنوردی که با جان انسانی سروکار دارد، نظارت داشته باشد. اوج: آیا شما به عنوان یک تولید کننده داخلی، تاکنون ابداعات و ابتکاراتی در کار خود داشته اید؟



آشنایی با گروه‌های کوهنوردی

مهمات سازی، جرقه‌های امیدبخش

گروه مهمات سازی از گروه‌های کوهنوردی ارزنده کشور ما است که در مدتی کوتاه (سه سال و اندی) فرایند تشکیل و تکوین را پیموده و هم اکنون در جایگاه ویژه ای قرار دارد. در واقع فعالیتهای اجرایی و آموزشی این گروه بوده که ما را متوجه وی کرد و همچنانکه از شماره دوم اوج به اینطرف رسم کرده ایم تا در هر شماره به معرفی گروهی فعال و زنده پردازیم، به سراغ این گروه رفتیم و با سرپرست گروه به مصاحبه نشستیم. داود وکیل زاده، با تواضع ذاتی و چهره صمیمی و خندان و رفتار گرمش ما را پذیرفت و آنچه که در زیر می خوانید حاصل این نشست و گفتگو است.



همچنین شرکت در کلاسهای کارآموزی فدراسیون و شرکت در مسابقات سنگنوردی سالهای ۶۹ و ۷۰ از زمره فعالیتهای گروه بوده است. امسال یکی از یاران ما آقای مهدی فتاحی توانست به عضویت تیم ملی سنگ نوردی کشور درآید.

موفقیت چهارنفر از کوهنوردان مهمات سازی در آزمون ورودی داوری سنگ نوردی، شرکت پنج نفر از اعضا در کلاسهای مربیگری سنگ نوردی درجه ۳ و آماده سازی ۲ مسیر طبیعی در منطقه بند یخچال (سنگ مریم) و زاگون (سنگ بشقابی)، نصب دو کارگاه سیم بکسی ثابت در پل خواب از جمله فعالیتهای حاشیه‌ای مهماتسازان بوده است.

اوج: کارهای فرهنگی و انتشاراتی شما چه بوده است؟

مهمات سازی: ما به یک مجموعه نظامی تعلق داریم و بنابراین دارای محدودیت هائی در زمینه کارهای انتشاراتی می باشیم. اما با تمام وجود در خدمت کلیه بولتن ها و خبرنامه ها و کوهنوردی خواهیم بود.

اوج: برای همکاری با اوج چه فکراهی در سرت دارید؟

مهمات سازی: ما آماده ایم در تمام زمینه ها که نشریه اوج لازم بداند با وی همکاری کنیم. اعتقاد ما این است که وظیفه کوهنوردان فقط اجرای برنامه های فنی نیست، کوهنوردی ما مشکلات فراوانی دارد. با داشتن نشریه آزاد و مستقل می توان مشکلات را مطرح و از عمق به سطح آورد. اوج می تواند این خلا، بزرگرا پر کند. اوج نشریه ای است که اگر حمایت شود می تواند بصورت یک نشریه کشوری در آید. این به سود ورزش و کوهنوردان ما است.

اوج: ضمن تشکر از لطفتان، با توجه به محدودیت جا، اجازه بدهید که آخرین سؤال را مطرح کنم و آن اینکه، مشکلات موجود کوهنوردی را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما پا گرفت و شروع به ظهور کرد، ما در عدد حمایت از این امر بر آمدیم. بنابراین در مهر ماه سال ۶۸ با برگزاری یک دوره مسابقه کوه پیمائی در کوههای درکه اولین قدم را بسوی مسابقات برداشتیم. همچنین با توجه به اینکه فدراسیون کوهنوردی فاقد مقررات و آئین نامه خاصی در مورد برگزاری و ارزشیابی مسابقات بود، بر آن شدیم تا خود از طریق مطالعه و ترجمه مقررات سایر کشورها آئین نامه ای در این خصوص تنظیم کنیم. پس از اتمام مسابقه فوق، آئین نامه تنظیمی به مسئولین فدراسیون داده شده مورد تأیید آنان قرار گرفت، متعاقب آن این آئین نامه بوسیله تربیت بدنی کل مورد بررسیهای کارشناسی قرار گرفت و در فضای آن روز که هنوز هیچگونه ضابطه و تفکر شناخته شده ای در این زمینه تدوین نشده بود، به عنوان آئین نامه اجرایی مسابقات مورد پذیرش واقع شد.

در زمینه کارهای فنی، غاری جدید به نام اسپول توسط یک اکیب سه نفره گروه در دست شناسائی است که گزارش آن متعاقباً داده خواهد شد.

از برنامه های آتی گروه بازدید غار پروابازگشائی میری جدید در بیستون و همچنین برگزاری یک دوره مسابقات سنگ نوردی در سطح کشور با نام جام دوستی در زمره کارهای ما قرار دارد. احتماً این برنامه ها در سال ۷۱ اجرا خواهد شد.

اوج: مهمترین برنامه هائی که تاکنون اجرا کرده اید چه بوده است؟

مهمات سازی: از مهمترین برنامه های اجرا شده گروه که بین سالهای ۶۸ تا ۷۰ رخ داده است صعود به قله های علم کوه از مسیر گرده آلمانها، دماوند، کرکس، الوند، اشترانکوه، صعود دیواره بیستون از مسیر همدانیها و بازدید از غار قوری قلعه بوده است.

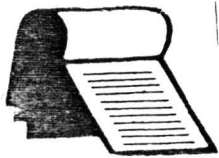
اوج: لطفاً چگونگی تاسیس خود را شرح دهید.

مهمات سازی: گروه در سال ۶۶ با حمایت حاج آقا عدالت پژوه معاون هماهنگی کارخانجات مهمات سازی تاسیس شد. چون چارچوب و قالب بندی ما فعالیت در داخل یک سازمان اداری و منفی بود، بنابراین افرادی که به گروه پیوستند، همگی آغازگر و مبتدی بودند. همینطور ما فاقد هرگونه وسایل عمومی و فنی بودیم. بتدریج ما به تهیه و تدارک وسایل کاربردی و حتی یکی دو دستگاه وسیله نقلیه (مینی بوس) در اختیار گرفتیم. اینهمه به پشتیابانی آقای مهندس کیا رئیس کارخانجات دست داد و من مایلم که در همین جا تشکرات بچه های گروه را تقدیم وی نمایم. از اوج نیز خواهش می کنم عین این عبارات را چاپ کند، نه از سر مداهنه. بلکه وقتی افرادی پیدا می شوند که به ورزش کوهنوردی علاقمندی نشان می دهند و آنرا مورد حمایت قرار می دهند، جا دارد که نام آنان به عنوان قدردانی همه جا آورده شود تا کار خیر رونق و عمومیت گیرد و سپاسی نیز باشد از طرف جامعه کوهنوردی برای این افراد.

بهر صورت، ما ظرف دو سال اولیه توانستیم از طریق برنامه های آموزشی و اجرایی سطح کار گروه را بالا بیاوریم. همچنین با کارهای تبلیغی دست به شناساندن گروه زدیم و توانستیم از کادر محدود خود بدر آمده و به عضوگیری در بین جوانان پردازیم. در سال ۶۸ نیز با تنظیم اساسنامه و آئین نامه داخلی به جرگه گروه های رسمی کشور پیوستیم و در عداد سازمانهای مورد تأیید فدراسیون کوهنوردی قرار گرفتیم.

اوج: مهماتسازان در چه برنامه هائی پیشگام بوده اند؟

مهمات سازی: با توجه به عمر کم گروه ما در گشودن مسیرهای جدید روی دیواره ها و با فتح قله ها برای اولین بار، کارنامه قابل عرضه ای نداریم. اما از سالهای ۶۸ به این طرف که سنگ نوردی مدرن و جدید در کشور



داود وکیل زاده

گزارش برنامه را این طور تهیه کنیم

و محکم بایستی حتی الامکان از زیاده گوئی و بازی بی الفاظ و کلمات اجتناب کرده و تاجائی که ممکن است مطلب را بطور رسا و خلاصه بازگو کند.

ساده نویسی و اغراق نکردن در وقایع گزارش می تواند جزو محسنات يك گزارش خوب محسوب گردد.

شروع يك گزارش ابتدا بهتر است با يك مقدمه كه شامل احتمالا " تاریخچه قله مورد نظر و یا افسانه های مربوطه و ... باشد، انجام گیرد. این گونه مقدمه ها باید کوتاه و مختصر باشد.

نام قله : معمولا "با توجه به دور بودن قله ها از شهرها و تفاوت لهجه های محلی و غیره ، قله ها دارای چند اسم هستند که محلی ها تحت نامی خاص و کوهنوردان با نامی دیگر آنرا می شناسند از همین رو بهتر است در گزارش تمامی اسمهای احتمالی نوشته شود.

علت نامگذاری : از آنجائی که بعضا " قله ها و یادیواره ها با افسانه ها و تاریخ پیوند نزدیکی دارند گاهی اسمی آنان از همان پیوند نشات می گیرد. مانند تخت سلیمان در منطقه کلاردشت. گاهی هم نام آنها از ظاهر و شما یا طبیعت قله ناشی می شود. مانند زرد کوه در بختیاری. اینگونه اطلاعات را می توان از محلی ها کسب کرد.

ارتفاع قله : ارتفاع بیشتر قله ها را می توان از نقشه های سازمان نقشه برداری و دیگر نقشه های معتبر بدست آورد. ضمن اینکه با داشتن يك ارتفاع سنج دقیق از خودکفائی بیشتری بهره مند خواهیم بود. اما تنها ذکر ارتفاع قله کافی نبوده و بایستی ارتفاع مبدا، صعود، گردنه ها، محل های کمپ و نقاط مهم قید گردد.

موقعیت جغرافیائی : ذکر نام آبادیهای اطراف، نحوه استقرار آبادیهای منگور در اطراف (جهت جغرافیائی) و همچنین ذکر طول و عرض جغرافیائی قله و نامرشته کوهی که قله در آن واقع

سالهاست کوهنوردان به کوه می روند و بسیاری نیز گزارش فعالیت خود را انعکاس داده اند. اما شاید از میان انبوه این گزارشها فقط تعداد انگشت شماری قابل استفاده باشد.

گزارش يك صعود ضمن اینکه به عنوان سابقه فعالیت يك کوهنورد و یا کوهنوردان تلقی می شود می تواند راهنمای مطلوبی برای تمام کسانی محسوب گردد که در آینده قصد سفر به آن منطقه را دارند.

بخصوص دیدار و صعود از مناطق و قله های بکر بیش از پیش نیاز به يك گزارش خوب را ملموس می کند از این رو گزارش نویسی یکی از جذاب ترین و شاید واجب ترین نکاتی است که کوهنوردان هنگام اجرای برنامه های خود می بایست رعایت کرده و در جهت نگارش آن بطور کامل کوشا باشند.

در این جا سعی خواهیم کرد به نحوه گزارش نویسی صحیح پرداخته و به نکاتی که باید در يك گزارش برنامه ایده آل ثبت گردد اشاره کنیم.

با نگاهی اجمالی به گزارشهایی که تاکنون در راستای کوهنوردی انتشار یافته می توان این گزارشها را به سه گروه تقسیم کرد

گروه اول : آنهایی که به توضیح کامل و لحظه به لحظه صعود خود پرداخته و کمتر از خود سخن به میان آورده اند.

گروه دوم : آنهایی که به توضیح صعود پرداخته و شرح منطقه را بیشتر از جنبه های عرفانی و پرداختن به زیبایی های طبیعت بررسی کرده اند تا توضیح نکات فنی و شناسائی منطقه.

گروه سوم : آنهایی که درباره صعود خود کمتر نوشته و بیشتر به شناسائی منطقه و نکات فنی آن پرداخته اند.

گروه آخر را می توان کامل ترین گزارش کوهنوردی به حساب آورد. يك گزارش نمی بایست فقط به شرح و تفصیل جریان صعود کوهنوردی بپردازد. بلکه باید به نحوی نگاشته شود که بتواند مورد استفاده دیگر صعودکنندگان نیز قرار گیرد. همچنین يك گزارش خوب

مهمات سازی : همانطور که می دانید کوهنوردی از قدیم الایام دچار مشکلات و معضلات گوناگونی بوده است. اما به اعتقاد ما با جان گرفتن مسابقات مختلف کوهنوردی روح تازه ای به این ورزش دمیده خواهد شد هر چند که مسابقات احتمالا " رشد غرورهای کاذب و دور شدن بعضی از سنگنوردان از فضایل اخلاقی و انسانی را به دنبال خواهد داشت اما چنانچه گروهها و دست اندرکاران روی این بخش فرهنگی بیشتر کار کنند، از عوارض ناشیه جلوگیری خواهد شد.

به نظر ما قسمت اعظم مشکلات کوهنوردی از داخل خود کوهنوردان و مبادی ذریبیط آنان نشات می گیرد. بطور مثال اگر با قدیمی ها و مربیان به طور جداگانه به گفتگو بنشینید خواهید دید که بسیاری از آنان همدیگر را نمی پسندند. ورد می کنند این ضعف فرهنگی بزرگی است که سطح مبادلات و همکاریها را کاهش می دهد و موجب می شود که از ظرفیتهای موجود نیز استفاده لازم بعمل نیاید.

فدراسیون کوهنوردی که بزرگترین مرجع قانونی کوهنوردان محسوب می شود می تواند با در اختیار گذاردن امکانات بیشتر در گروهها و ایجاد تسهیلات برای تماس های بین المللی و اجرای برنامه خارج کشور و همچنین جدی گرفتن بیش از پیش مسابقات سنگ نوردی (با رفع کاستی های داوری و تدارکاتی) نقش بسزائی در برطرف کردن این مشکلات داشته باشد.

تعداد اعضا گروه

از بدو تاسیس تاکنون ۴۰ نفر عضوگیری شده در حال حاضر ۲۲ نفر اعضای فعال گروه می باشند از این تعداد، ده نفر دارای مدرک کارآموزی و ۵ نفر دارای مدرک مربیگری سنگ نوردی معادل درجه ۲ می باشند.

هیئت مدیره فعلی

سرپرست و بازرس گروه : داود وکیل زاده
مسئول کمیته فنی : محمود مبارکی
مسئول کمیته روابط عمومی و دبیر گروه : مسعود محمدی
مسئول کمیته مالی و تدارکات : روانبخش ناجی
اعضا هیئت موسس : داود وکیل زاده ، محمود مبارکی
روانبخش ناجی

چگونگی پذیرش عضو جدید

سیاستهای عضو پذیری گروه مقطعی بوده و با توجه به شرایط و نیازهای گروه اعمال می شود. در حال حاضر فقط از کوهنوردان مجرب ثبت نام به عمل می آید.

تابستان داغ امسال

رویدادهای اسف انگیز، بی احتیاطی، عدم آموزش و ضعف کمک رسانی بخوبی مشهود بود. اگر بی احتیاطی را از خصایص جوانی بیانکاریم، ضعف آگاه سازی مردم به خطرات کوهستان از طریق برنامه های آموزشی و فقدان تسهیلات و کمکهای امدادی از مسایلی است که مسئولیت آن به سازمانهای مسئول بر می گردد. با کار وسیع آموزشی از طریق رسانه های گروهی و ایجاد شبکه های امداد رسانی وسیع و موثر هم می توان به پیشگیری حوادث شتافت و هم نایبعت و تلفات را کاهش داد.

در کنار این رویدادهای تلخ، سازماندهی کوهنوردی و کشاندن آن به میان مردم عادی، هدفی بود که در سه ماه تابستان مورد تعقیب هیات استان تهران قرار گرفت. اولین برنامه از این دست، راه پیمائی در مسیر یال شرقی چال چال (واقع در دشت پهنار و زیبای لار) بود. در این راه پیمائی، اقشار مختلفی از مردم عادی و غیر کوهنورد شرکت کردند. راه پیمائی تا ارتفاع ۲۷۵۰ متر ادامه یافت و پس از آن مردم شرکت کننده به پائین برگشتند و با اتوبوسهایی که هیات تدارک دیده بود، به تهران بازگشتند. دومین برنامه از این دست، راه پیمائی در منطقه لالون (تلخ آب) بود که در آغاز ماه شهریور به اجرا درآمد. در هنگامی که این نشریه به زیر چاپ می رفت، هیات استان تهران سومین برنامه خود را در این راستا اعلام کرد و آن مسابقه

روزهای جمعه، دهها هزار نفر از مردم عادی در صف طولی از اتوبوسها و ماشینهای کرایه و در خط انبوهی به دامنه های شمیرانات و البرز آمدند. مناطقی سنگ نوردی مانند بند یخچال، اوسون، قبررارس و پل خواب نیز زیر پای مشتاقان سنگ نوردی و اعضای گروههای کوهنوردی نور دیده شد. در زیر تیغ آفتاب در دره دربند، علاوه بر ستونهای از مردم که مانند مورچگان می پلکیدند و بالا و پائین می رفتند، افرادی نیز دیده می شدند که از سنگها آویخته بودند و به کش و قوس می برداختند. متأسفانه بعضی از این موارد بخبر خوشی خاتمه نیافت و حوادث و ضایعاتی را ببار آورد. تابستان امسال، ۲ مورد حادثه منجر به مرگ و دو مورد شکستگی و جراحت سخت را در دره دربند ببار آورد. مورد اول سقوطی بود که در کنار یلکان اول مسیر شیر پل رخ داد و سقوط دوم در دره اوسون واقع شد. سقوط سوم، دانشجوی خلبانی بود که روی گردنه آبشار دوقلو لغزید و به پائین غلتید. گونشی حوادث نمی بایستی محدود به تهران می ماند. یکی از دردناک ترین آنها، تصادم سنگ بر سر هم نورد فقیدمان خدایاری بود که در منطقه علم کوه رخ داد. وی که در ایام تاسوعا و عاشورا در علم کوه بسر می برد، در زیر گل سنگها (منطقه ای بر فراز شکاف های یخچالی علم) در اثر اصابت سنگ به زیر کلاه کاسکت وی در دم جان سپرد.

تیرو مرداد و شهریور از پس هم گذشت و با آغاز خزان، فصل گرمائی کوهنوردی گذشت و شرایط دیگری با تغییر رنگها و دمای هوا آغاز شد. تابستان بسا میوه های گوناگون و پرتنوعش، بسا گرمای طاقت فرسایش و با تمایلی که در انسان به گشت و گذار و سرگردن در دامان سرسبز طبیعت پدید می آورد، کیفیت و وجهه ای متفاوت با زمستان به ورزش کوهنوردی می دهد. کمتر ورزشی است که اینهمه مانند کوهنوردی از حیث کاربرد وسایل و ابزار و کیفیات روانی ورزشکار، تحت تاثیر طبیعت باشد، از زمستان که بدر می آید، جسم آغوش می کشاید تا تیغ آفتاب را دربر گیرد و خود را در گرم گرما شستشو دهد و روح از قفس تنگ و ابر کوهنورد از دالان بهار اندک اندک بالا می آید و به تابستان داغ که در پشت بام بهار کمین کرده است، پا می گذارد. تابستان از گوشه و کنار مانند چشمه سار می تراود و کوهنوردان و سایر مردمرا مانند آبی که به خانه مورچگان بریزی به جنب و جوش و تکاپو و می دارد.

تابستان امسال نیز، چنین آغاز شد. تیم های کوهنوردی از همه جای کشورمان براه افتادند و به اجرای برنامه های مختلف پرداختند. مردم دوستدار طبیعت نیز به دامنه و کوهپایه ها آمدند تا روزهای تعطیل خود را لختی بیسایند. در منطقه تهران ما،



شده است از نکات لازم در گزارش نویسی می باشد.

راههای رسیدن به میدا، صعود: از چهارهائی برای رسیدن به میدا، صعود می توان استفاده کرد و چه آبدیها در مسیر رسیدن به میدا وجود دارد. راههای آسفالت و خاکی و همین طور فواصل بین آبدیها با تعیین کیلومتر و حدود متوسط زمانی آن قید شود.

وسایل نقلیه: طبیعتاً برای رسیدن به میدا، صعود هر قله از وسایل نقلیه مختلفی استفاده می گردد اما گاهی استفاده از بعضی وسایل به بعضی دیگر ارجحیت داشته و باعث سهولت و سرعت در کار می گردد. می بایست نوع وسیله مطلوب نیز قید گردد.

وسایل فنی: ممکن است در حین صعود به قله ناگزیر به عبور فنی از صخره ها و یا یخچالها گردیم در این صورت باید مقدار و نوع وسایلی را که مورد نیاز است مشخص کنیم.

پوشش گیاهی: پوشش گیاهی منطقه و نوع جانوران بومی که در منطقه یافت می شوند باید بخشی

راههای رسیدن به قله: مسیرهای صعود به یک قله می تواند متفاوت باشد. این مسیرها معمولاً به راههای زمستانی و تابستانی تقسیم می شوند. صعود کننده می بایست راهی را که خود صعود کرده ذکر نموده و در صورت امکان مسیرهای دیگر قله را نیز قید نماید. **راهنمایان محلی:** در بیشتر نقاط کوهستانی به خصوص قله های معروف افرادی وجود دارند که راهنما و بلد منطقه بوده و کوهنوردان را در راه رسیدن به قله یاری می دهند. در گزارش خود باید نام آنان را بنویسید.

در کنار این رویداد سراسری، جای کلاسهای آموزشی سنگ نوردی که سالهای قبل در چنین فصلی از طرف فدراسیون کوهنوردی در تهران برگزار می شد خالی بود. شاید از آن جهت که فدراسیون دست به تمجید سازمان زده و شنیده شده است که قصد دارد از کارهای اجرائی پرهیز کند و بیشتر به تدوین استانداردها، هدایت و تنظیم خط مشی ها و برنامه ریزی بپردازد و وظایف اجرائی را به سطح هیات ها و گروههای کوهنوردی براند، بهر صورت، بعد از تعیین رئیس جدید فدراسیون و برگزاری سمینار سراسری روسای هیات ها و گروهها و مربیان کوهنوردی کشور که در ۲۶ اردیبهشت ماه در تهران برگزار گردید و انتصابات که متعاقب آن در سطح کمیته های فدراسیون و تشکیل کمیته امور استانها اتفاق افتاد، هنوز هیچیک از این ارگانها رسماً دست به انتشار برنامه عملیاتی خود نزده است و جامعه کوهنوردی دیر زمانی است که چشم براه و منتظر فرج و حال و هوای تازه مانده است.

رویداد با اهمیت دیگری که بطور غیرمستقیم به کوهنوردی مربوط می شود، برگزاری کنگره جغرافیایی کشور با شرکت ۴۵۰ کارشناس در تهران بود. در این کنگره مقالات مختلفی در زمینه جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، جغرافیای شهری و جغرافیای کوچ نشینی از طرف سخنرانان ارائه شد. ما امیدواریم که هرچه زودتر برنامه های تدوین شده در این سمینار با کار بعدی سازمانهای مسئول به ثمر و گل نشیند و مخزن اطلاعاتی کشور را در امور جغرافیایی غنا و اعتبار بیشتر بخشد. در همین راستا، ما به دست اندرکاران کنگره توصیه می کنیم که مقالات ارائه شده در کنگره را به عنوان گام نخست جمع آوری و در مجلدهای علاقمندان و پژوهشگران ارائه نمایند.

زویای گوناگون قله، دیواره و یا غار مورد نظری تواند در کامل تر کردن گزارش کمک کرده و گزارشی گویا را در اختیار خواننده قرار دهد. باید توجه داشت در یک گزارش لازم نیست نکات سفارش شده به ترتیب و بصورت کلاسه بندی ذکر گردد. بلکه منظور این است که گزارش ما نکات یاد شده را دربر گیرد تا ضمن اینکه بیانگر فعالیت ما هست راهنمایی خوبی برای آیندگان نیز باشد.



دماوند بگوئیم. این گروه در دعوتی که ما در شماره سوم " اوج " از گروههای کوهنوردی منطقه تهران برای شرکت در مراسم یادبود پنجمین سالگرد درگذشت شهیر امیر سلیمانی همورد فقیدمان کرده بودیم، شرکت جست و در روی یال سرکچال بود که ما به تیمی از این گروه برخوردیم که بسان ما رهپار قله سرکچال بود تا بر فراز آن دعائی برای روح پرفروش شهیرار بخواند و یادهایش را همپا با ما پاس بدارد و همه با هم آتش جاودان عشق - عشق به کوهنوردی - را علیرغم نیش ها و بدسگالی های گاهگاهی مشتعل و روشن نگهداریم.

از رویدادهای پر شور و پر اهمیت تابستان برگزاری مراسم سنگ نوردی در پهنه کشوری و انتخاب تیم ملی سنگ نوردی کشورمان بود که قرار است در آذرماه امسال برای شرکت در مسابقات آسیائی به خارج کشور اعزام شوند. این رویداد که فعالیت های دیگر را تحت تاثیر قرار داده و پوشانده بود، در میان قشر جوان کوهنورد شور خاصی پدید آورد و تمرینات پی در پی و منظمی را ایجاد کرد. در این زمینه، گزارش ویژه ای در این شماره داریم که در صفحات بعد خواهید خواند.



کوهنوردی در منطقه ولنجک تهران در روز ۵ مهر ماه بود که با میلاد با سعادت پیامبر گرامی اسلام و روز جهانی پاکسازی محیط تقارن دارد. اقدامات، هیات استان تهران در این رهگذر تاکنون موثر بوده و درکشاندن ورزش مهجور و بدون تماشاچیر کوهنوردی بین اقشار مردم عادی و ایجاد تسهیلات و انگیزشهایی که مردم بوسیله و از طریق آن با طبیعت آشنا شده و بدان خوبیگیرند، در شعاع عمل خودش موثر بوده است.

مرحباً بچه های هیات استان تهران! دستتان درد نکند. بگذار در کنار این مرحبا و دست مرزاد، مرحبای دیگری به بچه های هیات همدان و قزوین نیز بخاطر کار خوبشان در سوزنی ها و تیغه های سیاه سنگمنطقه علم بگوئیم. امسال تابستان با همت این هیات، تیغه های مهیب سیاه سنگ کابل گذاری و دستک گذاری شد و مسیری که همیشه برگشت از آن به دشوار و با هول و بلا صورت می گرفت، ساده و بی خطر گردید. در فلنامه بارک اله ها و مرحباها، باید مرحبای دیگر و خسته نباشید دیگری نیز به گروه کوهنوردی

نوع سنگ، موقعیت جغرافیایی دیواره نسبت به قله یا منطقه، درجه سختی دیواره، مسیرهای مختلف صعود، نام سیر صعود شده (همراه با کروکی)، امکانات رفاهی مانند طاقچه، جان پناه و غیره و وسایل فنی مورد نیاز ذکر گردد. در مورد بازدید از غارها نیز ضمن رعایت بیشتر مطالب یاد شده می بایست نام غار، علت نامگذاری، شکل ظاهری دهانه غار، طول و نوع غار، مسائل فنی درون غار، کروکی و امکانات مورد نیاز قید گردد. همچنین تهیه عکسهای مختلف از

از گزارش ما را شامل گردد. تاریخ و زمان صعود: تاریخ شروع و پایان برنامه و همچنین زمان صرف شده برای صعود باید در گزارش قید گردد. کروکی منطقه: هر چند کروکی نمی تواند به اندازه یک نقشه دقیق باشد، اما برای کامل تر شدن گزارش بایستی کروکی منطقه پیوست گردد. اگر در برنامه شما هدف صعود یک دیواره و یا بازدید از غار باشد گزارش ابعاد وسیع تری را دربر خواهد گرفت. در صعود یک دیواره ضمن رعایت بیشتر مطالب بالا باید نام و ارتفاع دیواره،

دیو سپید البرز

درافسانه های اساطیری سرزمین ما حکایت شده که دیو سپید در یکی از غارهای کوه دماوند مسکن داشت .
 به بند کشیدن دیو سپید در دماوند است :

ملك الشعراى بهار مى سرايد :
 ای دیو سپید پای در بند
 ای گنبد گیتی ، ای دماوند
 از سیم به سر ، یکی کله خود
 ز آهن به میان یکی کمر بند
 تا چشم بشر نبیندت روی
 بنهفته به ابرو، چهره دل بند
 شومنجرای دل زمانه
 و آن آتش خود نهفته میسند
 خامش منشین ، سخن همی گوی
 افسرده مباح ، خوش همی خند
 هررای تو افکند زلازل
 از نور کجور تا نپاوند
 و ز برق تنوره ات بتابد
 ز البرز اشعه تا به الوند
 بروکن زمین بنا که باید
 از ریشه بنای ظلم برکنند

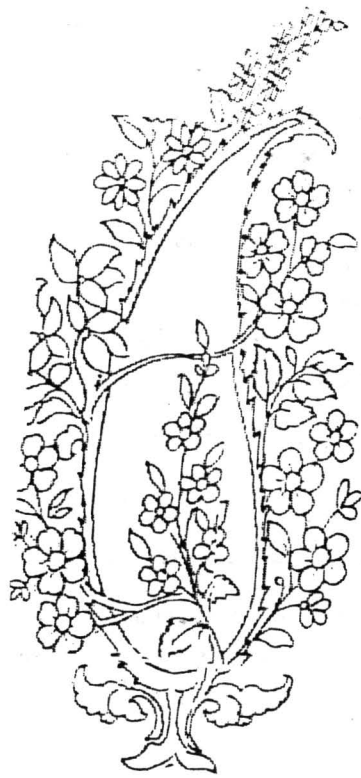
وزه کمان را می گشاید تا تیری پرتاب کند که — روز
 ایران را از توران جدا سازد . مهتر از همه داستان
 به بند کشیدن دیو سپید در دماوند است :

یکی مرد بد در دماوند کوه
 که شاهش جدا داشتی از گروه
 کجا جهن بر زمین بدی نام اوی
 رسیده به هرکشوری کام اوی

در روایت بند کردن ضحاک در دماوند می فرماید :

بسا روزگار که برکوه و دشت
 گذشت است و بسیار خواهد گذشت
 همی راند او را به کوه اندرون
 همی خواست کار و سرش را نکون
 بیامد همانگه خجسته سروش
 بخوبی یکی راز گفتش به گوش
 که این بسته را تا دماوند کوه
 ببر همچنین تا زبان بی گروه
 بیاورد ضحاک را چون نوند
 بکوه دماوند کردش به بند
 و یا داستان رستم و کیقباد :

شاهنامه قدیمی ترین نوشته ای است که از دماوند نام می برد . از آن جمله است قیام کله آهنگر علیه ضحاک و داستان آرش کمانگیر که بر فراز دماوند مسی رود



سهند ...

برجسته سپید طهارت
 چتر فرود زرتشت
 افسانه خروج نهنگ از کنار نیل
 آتش بجان برف بدوش
 آئینه محب کولاک قرنها
 موی سپید سینه تاریخ
 يك خرمن غنیمت ابریشم
 در شام دستبرد ، بسودای شرق و غرب
 يك چادر سپید اطاعت
 در لحظه تقاطع جویهای سرخ و گرم
 يك عقده ، بزرگ کتان پیچ
 یادآور تملب ایمان ، فراز دل
 يك صخره ، درشت
 از آخرین فلاخن پیش از دعای نوح
 آنک
 قشلاق وا گذاشته ، سیمرغ
 يك حرمت بلند
 موج منبع کشمش خون و برف و باد
 حجم شرف ، سهند

" بداله مفتون امینی "

بانگ دریا

سینه باید گشاده چون دریا
 تا کند نغمه ای چو دریا ساز
 نفسی طاقت آزموده چو موج
 که رود صد ره و برآید باز
 تن طوفان کش شکیبنده
 که نغرساید از نشیب و فراز
 بانگ دریا دلان چنین خیزد
 کار هر سینه نیست این آواز

" ه . ۱۰ . سایه "

کلاغ (زاله اصفهانی)

روی درخت گردوی گس ، آن کلاغ پیر
 صد سال لانه کرد و هزاران هزار بار
 گردواز آن درخت بدزدید و خاک کرد
 هر بار روی خاک
 منقار خویش را ز کثافات پاک کرد
 يك بار هم ندید ،
 آن بلبل جوان غزلخوان باغ را
 یا دید و حس نکرد
 آن روح عاشقانه دور از کلاغ را

دنباله از صفحه ۱۴



من زندگی بیک آسودگی و فراغ خاطر هستم . درست است که قسمت بزرگی از زندگی ما را تشکیل می دهند ولی تمام آن نیستند ، آنها ایده و اساس فوق العاده ای در زندگی ما هستند و لحظات خوب عمر ما را تشکیل می دهند ولی اگر شما فکر کنید که بدست آوردن چنین چیزی ، تهدیدی برای کانون زندگی شما بشود آنوقت این چیز عالی و فوق العاده تبدیل به یک محدودیت و یک کمبود عظیم در زندگی شما می شود . مثلاً " مردم در مورد من فکر می کنند که من در همه حال مشغول تمرین و سنگ نوردی هستم . این تفکر کاملاً اشتباه است من فقط روزی چند ساعت بعد از اینکه از کار کشاورزی فارغ شدم روی یک تخته سنگ که نزدیک خانه است به تمرین می پردازم آنهم فقط بعد از تمام شدن کارهای مزرعه قدیمی ام . برای من کافی است که خود را در سطحی از قدرت نگاهدارم که سالی یک یا دو بار برای مدت طولانی به برنامه های کوهنوردی یا سنگ نوردی بپردازم . فعالیتهای زیادی وجود دارد از قبیل فیلمها ، نمایشها ، بازکردن مسیرهای جدید ، تجربه مسائل جدید ، خلاقیتها و ماجراجوییها در شکلهای مختلف ، گوناگونی و نوع به نوع بودن آنها فوق العاده است . شما فقط باید انگیزه داشته باشید . باید به مغزتان فشار بیاورید . شما باید فقط به این فکر کنید که می خواهید چکار کنید و چهلذتی از کارتان خواهید برد . تنها چیزی که باقی می ماند این است که انتخاب کنید .

خبرنگار : برای مدت بیشتر از ۱۰ سال شما بطور منظم تنها بدعت گذار در دنیای آلپ بودید البته با بصیرت و احتیاط تمام . شما کارهای زیادی کرده اید . از جمله اولین مسیرهای با درجه 7A6 و 7B6 در فرانسه ، صعودهای انفرادی بیاد ماندنی ، صعودهای چند دیواره در یکروز ، رقصهای نمایشی سنگ نوردی و بالاخره موفقیت اخیر شما در شیش پانگما . با این صعود شما بدعت جدیدی در سازگاری با ارتفاع با استفاده از یک تیم پزشکی و وسایل بوجود آورید می شود مقداری در این زمینه صحبت کنید .

پاتریک : همانطور که گفتم من به کارهای جدید علاقه فراوان دارم اگر چه مسیر معمولی دیواره از نظر تکنیکی در حد من است که من می توانم آنرا صعود کنم اما باید در نظر داشته باشم که قله بالای ۸۰۰۰ متر ارتفاع دارد و من باید خودم را با ارتفاع سازگار می کردم . در سالهای گذشته من مدت بیشتری را در خارج از خانه به تمرین و کار می بردم من هنوز هم مشتاق هستم آنگونه که می خواهم سنگ نوردی کنم اما در حال حاضر دیگر نمی توانم برای مدت طولانی برای سازگار شدن با ارتفاع را در کوهستان بگذرانم . این امر برای خانواده من ناراحت کننده است . بنابراین به فکر چاره ای برای این مسئله افتادم و به این نتیجه رسیدم که بجای صخره نوردی و با کار روی دیواره های دور از دسترس باید در روز ساعتی را به استفاده از هوای رقیق شده بپردازم .

این تکنیک برای افراد که وقت کمی برای سازگاری با ارتفاع دارند بسیار مناسب و کم خطر است . این امر باعث می شود که عده زیادی از مردم علاقه مند این کار بشوند من در این مورد با یک دکتر که بسیار متمایل به اینگونه کارها بود صحبت کردم . او با یک تیم پزشکی که در بیمارستان کار می کردند ارتباط برقرار کرد و آنها با کمک هم یک برنامه تحقیقی را تهیه کردند . من ابتدا در بیمارستان این سیستم را

امتحان کردم و سپس در مزرعه خودم به این کار ادامه دادم . این ماجرای شیش پانگما بود . این روش تجربه بسیار جالبی برای من بود . در حقیقت بنوعی ماجرا در ماجرا بود . تا آن موقع من نه به تبت رفته بودم و نه هیچ قله ۸۰۰۰ متری در هیمالیا را تجربه کرده بودم . این واقعا " حیرت آورد بود من هرچه که می خواستم داشتم .

خبرنگار : برای مدتی به نظر می رسید که بین شما و اولینگر اختلافاتی بوجود آمده است آیا این دلیل شما از کانون سنگ نوردان جدا شدید ؟

پاتریک : من در یک ناحیه دور دست کشورم زندگی می کنم ، جایی که به اصل من نزدیکتر است ، جایی که من از ابتدا به آنجا تعلق داشته ام من در مزرعه ام کار می کنم که برای من همه چیز است . همانجا بود که من توانستم کریستیان را خواستگاری کنم و بچه هایم را خلق کنم . دلیل اینکه من اینقدر به شابر لوش علاقه دارم نزدیکی آن به طبیعت است و بعضی افراد فراموش می کنند که طبیعت بزرگترین الهام دهنده است .

بنابراین من راهی دیگر از زندگی را می آموزم که در آن شخصی تا حد ممکن باید شایسته ، بودن با طبیعت و اجزا ، آن باشد . برای سالها من این آزادی را خواهم داشتم که روزگار کودکی مرا به خاطر آورم .

خبرنگار : آیا در طی این سالها سنگ نوردی مدرن از شما فاصله می گیرد ؟

پاتریک : بطور کامل نه ، من هنوز عاشق سنگ نوردی هستم ولی برای من در زندگی خانوادگی و در کنار مزرعه ام ، سنگ نوردی رتبه دوم را دارد . و در حال حاضر اغلب سنگ نوردی برایم یک استراحت و تفریح است البته پاره ای اوقات نیز به مناطقی که سنگ نوردی پیشرفته در آنها جریان دارد مسافرت می کنم و فعالیتهایی نیز انجام می دهم همچنین سعی می کنم که سالی یک یا دو بار نیز به برنامه های مهم بروم .

خبرنگار : در آینده چه ؟

پاتریک : من امیدوارم که زندگی معمولی من در ایسن روستا جریان داشته باشد و می خواهم که روی مزرعه ام به کار ادامه دهم .

اوج آگهی می پذیرد



فرهاد احمدی شیخانی

رنگین کمان

تقسیم‌بندی صعودها :

بطور خلاصه ، با توجه به اینکه روشهای صعود را از چه دیدگاه یا جنبه ای مورد ارزیابی قرار دهیم می توانیم تقسیم‌بندی های زیر را برای آن قائل شویم :

" تقسیم‌بندی با توجه به چگونگی دست‌یابی به هدفنا " :
 ۱- روش آلپ (Alpine style) - این اصطلاح بیشتر برای صعودهای بدون رفت و برگشت از یک کمپ به کمپ دیگر بمنظور انتقال بار و تدارکات و بدون کمپ ثابت در هیمالیا بکار می رود .
 در صعودهای دیواره ای ، این سبک بیشتر با عنوان روش " تک حمله ای " (One PUSH) نامیده می شود .

۲- روش محاصره ای (Siege Tactic)

" تقسیم بندی با توجه به چگونگی استفاده از وسایل " :
 ۱- صعود ممنوعی (Artificial Climbing) که همراه است با استفاده از رکاب و اتکاء به حمایت های میانی بعنوان گیره برای کمک به بالا رفتن .

۲- صعود آزاد (Free Climbing) بدون استفاده از رکاب یا اتکاء به وسایل .

" تقسیم‌بندی با توجه به نوع و مقدار وسایل مورد استفاده " :

۱- " پر وسیله " ، با استفاده از میخ ، میخ - پیچ و هر وسیله دیگر .

۲- صعود " تمیز " (Clean Climbing) - با استفاده از گوه ، فرند و بطور کلی وسایلی که اثری بر سنگ‌باقی نمی گذارند .

۱- صعود بدون وسیله : تک نفر بدون طناب و حمایت میانی

آبهای گرم محلات ، شفا بخش امراض عصبی :

دهکده آب گرم محلات در فاصله ۱۸ کیلومتری دوراهی محلات - خمین قرار دارد . در این دهکده در اطراف چشمه معادن سنگ تراورتن قرار دارد که ضخامت آنها به ۲۰۰ متر می رسد و از رسوب آب گرم در گذشته بوجود آمده اند . در حال حاضر ، در اطراف دهکده سه چشمه به نامهای چشمه شفا و چشمه سلیمانی و چشمه حکیم دیده می شود . آب این چشمه ها تا ۵۰ درجه بالای صفر می رسد . پیرامون این چشمه ها آب سرد وجود ندارد و تحمل این گرما انگی دشوار است . طعم این آبها شور گس و کمی تلخ است . آب خوراکی محل را از روستای نی نی می آورند . در روی دندانهای اهالی خالهای قرمز و زرد دیده می شود . اهالی دندانپاشی محکم داشته و دچار پوسیدگی دندان نمی شوند و این نشان می دهد که آب روستای نی نی دارای املاح فلوئور می باشد . از آب چشمه های محلات می توان در آشپزی و طبخ غذا استفاده کرد و یا یک قاشق مرباخوری آنرا با آب معمولی مخلوط کرد . هر دوی این کارها ، باعث وجود املاح قلیائی خاکی و کلرورهای سدیم و منیزیم و سولفاتها و گاز کربنیک بسیار مفید است و اثربخش تسکین دهنده و آرامش بخش دارد . همچنین ملیح و پیشاب آور بوده و سوم بدن را خارج می سازد . گرما و املاح زیاد آن باعث دردهای مغزی بوده و حساسیت را نیز از بین می برد .

چگونه گیاه گزنه می کزد ؟

چندین نوع گیاه گزنه وجود دارد که تمام آنها دارای کرک گزنه نیستند . مشهورترین انواع این گیاه ، نوع معمولی آن و گزنه رومی ، می باشد که گزیدگی

«سلان، عروس کره‌های ایران» - ارسالی حسین مهبوری .

این آخری از تمام گزنه ها دردناک تر است . گزنه دارای پیچی ظریف و انبر شکل دره ریخته است . نوك تیزی دارد و با جزئی ترین لمس آزاد می شود . بمجرد اینکه به این نوك دست زده شود ، وارد پوست می شود و ماده ای گس و تند که تحریک و سوزش می آورد در زیر پوستها می سازد . اگر کسی در گزنه بنحوی دقت کند که کرک های آن به طرف گیاه فشار داده شود ، نیش گزنه نمی تواند وارد شود و بدون احساس درد می توان آنرا چید .

گزنه جوشیده برای خوک و طیور ارزش غذا و بوزه ای دارد . اگر ریشه این گیاه را در زاج سفید بجوشانند رنگ زرد تولید کرده و بر کپا و ساقه آن رنگ سبز می دهد .

از الیاف انواع مختلف گزنه ، برای تهیه بند پارچه ، طناب و نخ تابیده استفاده می شود . تیره ای از این گیاه در استرالیا وجود دارد ؛ درخت عظیم الجثه ای را می دهد .

کلسنگ چیست ؟

کلسنگ ها گیاهانی هستند که ریشه ، برگ یا ندارند . در حدود شانزده هزار نوع گل سنگی می شود . این گیاه در هر جا و مکانی از بیابانها گرفته تا روی صخره های یخبندان قطب جنوب کل سنگ ها در نقاط متروکه بر روی سنگ ها و عربان ، خاک ها ، چوبهای مرده و پوست دره روئیده و می تواند در گرما ، سرما ، رطوبت و به زندگی ادامه دهند . در تنها نقطه ای که وجود ندارد ، نزدیکی شهرها می باشد . زیر نقطه در امتداد دود بگرد و خاک و گاز زغال سنگ کل سنگ ها تلف می شوند . گل سنگ ها ، در

طبقه بندی غارها :

غارها در مجموع به سه نوع اصلی از نظر ساختمانی تقسیم می شود که عبارتند از :

الف : غارهای تونلی یا افقی

ساده ترین نوع غارها بوده که همانند تونل در دل زمین پیش رفته اند و حالت و شکل تقریباً "یکنواختی" دارند و بد چاهها و پرتگاههای متعدد بر نمی خورند و کشف و بررسی آنها به راحتی صورت می گیرد .
(مانند بونیک در فیروزه کوه)

ب : غارهای دیواره ای

دهانه غارها در کمربند دیواره ها قرار دارد و اکثر آنها در گذشته بعنوان پناهگاه ، استفاده میشده و در داخل آنها حجارها و ساختمانهایی بعمل آمده و به تعداد زیاد در کشورمان از این نوع یافت می شود و لازمه دسترسی به بعضی از اینها استفاده از وسایل فنی است (مانند غار گرفتو در کردستان - آسنگران در باختران)

ج : غارهای چاهی

مشکل ترین نوع غارها از نظر کاربردن تکنیک و وسایل فنی ، دارا بودن پرتگاهها ، پلکان متعدد آبریزها و حفره های در هم پیچیده است (مانند غار پراو در باختران که از نظر عمق و بزرگی در آسیا مقام اول را داشته و هشتمین غار جهان و سخت ترین غار دنیا است) .

از آنجا که غار دارای محیط تاریک و بسته ای است جانوران خاصی که با این شرایط وفق یافته اند در آنها زندگی می کنند مانند خفاش که مجهز به سیستم سونار طبیعی است یا انواعی از ماهیها که در ایران به ماهی های قناتی معروف هستند . اخیراً در عمق ۲۵۰۰ متری غار قوی قلعه در استان باختران که بزرگترین غار آبی آسیا می باشد نوعی سومار از خانواده سمندرها کشف شده و مطالعه به روی آنها آغاز شده است . همچنین برخی از حشرات نیز در غارها زندگی می کنند . گاهی نیز در زمانها جانوران وحشی که لانه سازی بصورت عمده ندارند برای گریز از سرما به غارها پناه می برند ولی از حدود دهانه غار جلوتر نمی روند .

مورد استفاده دیگر غار که به آن توجه شده است استفاده های اقتصادی برای ذخیره سازی و مواد کوناگون از جمله سوخت های فسیلی و کالای استراتژیک می باشد

شده و طول آن به سهولت کم و زیاد شود .

کمربند کوله باید بخوبی باز و بسته شود در مواردی که کوله پشتی از نوع زین دار بکار می رود کمربند آن می تواند به توزیع بهتر وزن کوله بر روی بدن کمک کند . وجود جیبهای اضافی بر روی کوله پشتی بستگی به سلیقه شخص دارد و مزیت آن در این است که بعضی از اقلام اصلی را بدون نیاز به باز کردن کوله می توان در آن قرار داد و نیز می توان از آن برای جدا کردن وسایل خوراکی و سوخت ، و لباسها و غذا استفاده کرد . از آویزان کردن وسایل زیاد بر روی کوله پشتی باید خودداری کرد ، این کار باعث توزیع ناهمگون وزن کوله بر روی بدن و ناراحتی شخص خواهد شد .

کوله پشتی انواع گوناگونی دارد اما اینکه آیا کوله پشتی زین دار بهتر است یا غیر زین دار بستگی به نیازهای شخص دارد . کوله زین دار اساساً برای حمل بارهای سنگین است مزیت آن در این است که نه تنها وزن کوله در نقطه بالاتری از آن متمرکز می شود بلکه به توزیع اضافی این وزن بر روی شانه ها ، ناحیه پشت و لگن کمک می کند و نیز به تپویه بهتر بین کوله و پشت بدن یاری می رساند . تنظیم کمربند کوله پشتی و بندهای شانه آن برای راحتی کار و تعادل مناسب ، ضروری است .

نواقصی که این نوع کوله دارد این است که مشکل می توان آنرا داخل چادرهای کوچک جا داد ، و نیز گیر کردن آن به نوک سنگها و شاخه های درختان باعث زحمت خواهد شد . در مورد طرز چیدن وسایل باید گفت که این وسایل طوری باید چیده شوند که اقلام ضروری تر هر چه بیشتر قابل دسترسی باشند . وسایلی که در خلال راهپیمایی مورد احتیاج است و یا بلافاصله بعد از اتراق کردن مورد نیاز است باید در قسمتهای بالایی کوله پشتی قرار داده شود ، مانند اقلامی از قبیل غذای روزانه ، جعبه کمکهای اولیه ، بادگیر و نظیر آن . همچنین وسایل سنگین باید در بالای کوله قرار داده شوند . چراغ خوراکی و سوخت را باید در کیسه های پلاستیکی قرار داد و در جایی جداگانه ، دور از غذا جاسازی کرد . لباسها و کیسه خواب نیز باید در کیسه های ضد آب قرار داده شده و سپس درون کوله قرار داده شوند .

سست کرده و یا گلنگد های فاسد شده لایه نازکی از خاکی را تشکیل می دهند که در روی آن نباتات دیگری می توانند نمو و رشد کنند . ریشه این گیاهان نیز سنگها را می ترکاند و فرو می ریزد .
ورزش اسکی چگونه آغاز شد ؟

ممکنست فکر کنید که اسکی ورزش نوینی است . ولی باید گفت که اسکی یکی از قدیمی ترین طرق مسافرتی بود که بشر شناخت کلمه اسکی از کلمه ایسلفندی SCIDH می آمد که معنای " کفش برف " را می دهد . بعضی از مورخین عقیده دارند که حتی مبدا و پیدایش اسکی به عهد حجر باز می گردد و حجارهایی نیز پیدا شده که بشیرا در حال اسکی کردن نشان می دهند .

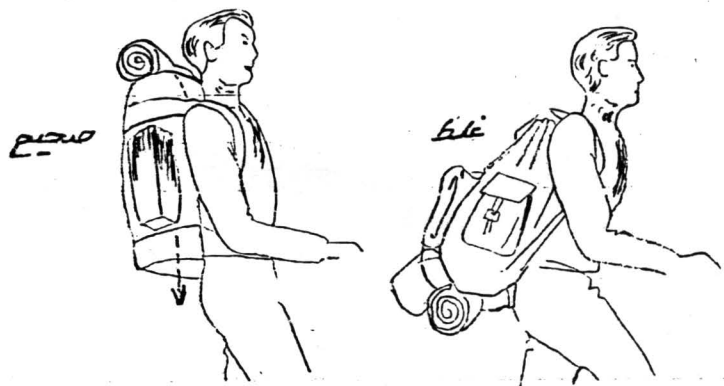
اولین چوب های اسکی ، چهارچوب خمیده ای داشته که از استخوان حیوانات درست می شده و با تسمه چرمی بپا وصل می شده است . در این مورد تصویری موجود است که روی سنگ کنده شده و مربوط به ۹۰۰ سال قبل است .

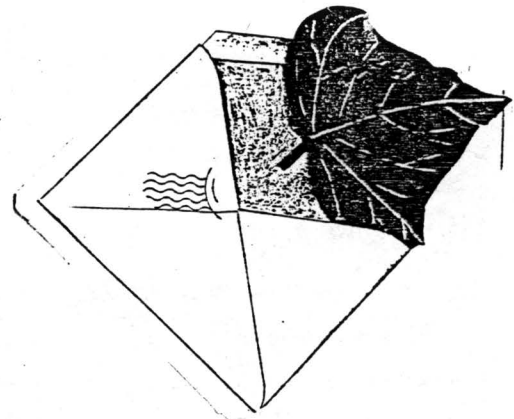
اسکی به عنوان یک ورزش ، برای نخستین بار در نروژ شروع شد . در حقیقت شهر " مورگدال " در این کشور بعنوان مهد ورزش اسکی شهرت دارد . در نروژ از حدود سال ۱۷۶۷ مسابقاتی برای اسکی بازان نیز ترتیب داده می شد .

چگونه کوله پشتی خود را بچینیم ؟

درباره وزن یک کوله پشتی و وسایل داخل آن باید گفت که وزن آن در هر صورت نباید از $\frac{1}{4}$ وزن شخصی تجاوز کند . حتی برای افراد جوانتر حداکثر وزن نباید بیش از ۱۵ کیلوگرم باشد . علاوه بر آن تاثیر بسیار ن و خیس شدن کوله پشتی و افزایش وزن آنرا باید در نظر داشت .

این نکته را باید در نظر داشت هر کوله ای باید با کاری که از آن انتظار می رود تناسب داشته باشد . بعلاوه ، کوله باید به راحتی بر روی بدن قرار بگیرد و بیشترین وزن آن در قسمت فوقانی و نزدیک به پشت بدن متمرکز گردد . بندهای کوله باید بخوبی تنظیم





پاسخ به نامه‌ها

آقای م. فرزاد نیا - تهران

نامه محبت آمیز شما بدستمان رسید. از علاقتندی و توجه شما به " اوج " تشکر می‌کنیم. ما سعی می‌کنیم برای این است که با کار و تلاش بیشتر و با برخورداری از نظریات و همکاریهای سایرین به سطح بالاتری از کار دست یابیم. در جواب سؤال شما که پرسیده‌اید آیا تاکنون زنی به قتل خیالیا معرود کرده است، باید یادآوری کنیم که " جنکو تاشی " یک زن ۱۵ ساله ژاپنی موفق شد که در سال ۱۹۷۵ قتل ۸۸۸۲ متری اورست را معرود کند.

آقای رضا حسینی اعظم - آذربایجان شرقی

شماره سوم اوج را به آدرس پستی تان فرستادیم. برای داشتن اوج بطور منظم، خواهشمند است به اعلامیه ما در همین شماره توجه کنید. با پر کردن فرم درخواست اشتراک و ارسال فرم و بهای اشتراک برای ما، از این بعد اوج مرتباً " برای شما فرستاده خواهد شد. شماره سوم را میبھان ما باشید. راجع به شماره حساب ۹۴۷ بانک صادرات که برسیده‌بودید، این شماره حساب به او

آقای تقی ارجمند نیا - تهران

توموسین، کوهنورد ۲۲ ساله اهل یوگسلاوی اولین بار بوسیله اوج به جامعه کوهنوردی ایران شناسانده شد. در تاریخ کوهنوردی نامهایی وجود دارد که جاودانند: از آن جمله والتر بونتی، هرمن بولگریس بانینگتون و راینهولد منر را می‌توان نام برد. کارشناسان گریس بانینگتون را اعجوبه سالهای دهه ۶۰ پس از آن را اعجوبه دهه هفتاد و سیزن را اعجوبه دهه ۸۰ شناخته‌اند و نام وی هنوز زبانزد است. ریزه‌گی کار هر یک از این افراد چیز بخصومی بوده است، اما همه آنها در صلابت اراده، تمرینات منظم و پی‌گیری استقامت و نیرومندی فکر وجه اشتراک دارند. اگر به اطلاعات بیشتری درباره سیزن علاقتند باشید می‌توانید: خبرنامه شماره ۹ فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلام ایران را مطالعه فرمایید. به امید روزی که از این بهیروز ما نیز نام آوری در پهنه گیتی قد برافرازد.

آقای کوروش علیزاده - تهران

طی نامه ای از ما پرسیده‌اند که مساله بیمه اعفوی گروههای کوهنوردی که قرار بود بوسیله فدراسیون انجام گیرد، چه شد؟ ایشان خواسته‌اند که اگر این کار انجام نمی‌دهد مبلغ ۸۰ تومان وجه پرداختی شان مسترد شود. گروههای کوهنوردی خانه کوهنوردی (باختران)، (احمد (مشهد) آلپ (تبریز)، میگون (تهران)، هرم (تبریز)، کانون کوهنوردان (باختران)، تبریز، یاران (تبریز)، مهتازی (تهران)، شکران، گوشت (تهران) و هیات استان زنجان - قزوین - وصول شماره ۳ اوج، با کلمات و جملات دلنواز ما مشمول لطف و عنایت خود قرار داده‌اند که بدینترتیب از همه ی آنها تشکر می‌نمایم.

تعلق دارد و وجهی که از آن طریق برای ما حواله شود به حساب نشریه اوج منظور می‌شود و تهرانی‌ها یا شهرستانی‌ها، هر دومی توانستند بوسیله این شماره کمک‌ها یا بهای اشتراک را برای ما بفرستند. وجه ارسالی شما مبلغ ۱۵۰ تومان نیز بدستمان رسید.

آقای حسین مهجوری - آمل (دخانیات)

مبلغ چهارصد تومان کمک اهدائی شما به اوج بدستمان رسید. حقیقتاً ما از اینهمه محبت و لطف شما بخودمان متشکریم و می‌بالیم که کار ناقابل ما اینهمه مورد توجه و علاقه هموطنان گرامی مان قرار گرفته است. این بذل الطاف به ما نیرو و قوت می‌بخشد و ما را در ادامه کارمان راسخ تر و متعهد تر می‌کند.

نامه‌های پر بار شما نیز بدستمان رسید و شاعرهای عاشقانه آن - عشق به طبیعت و سرزمین آباء و اجدادی - جانمان را پر طراوت کرد. حیث می‌دانیم که این شاعرها را برای سایر خوانندگان اوج نترسیم. شماره‌ها چنین بود:

- هرکس که به کوهستانهای خود دلپسنگی

نداشته باشد، نماینده مردم این سرزمین نیست

- معازند شناسنامه هر ایرانی است.

قطعه ای را که در باب " دماوند " تحت عنوان

" دیو سپید البرز " تدوین کرده بودید، در همین

شماره به چاپ رسانیده ایم. برای ما شعرها و قطعات

بیشتری بفرستید. مؤثق باشید و به امید دیدار. عکس

ارسالی شما از قله زیبای سبلان، عروس کوههای ایران

! نیز زیب مفعه کرده ایم. عکس حدود ۳۵ نفر از

کوهنوردان آملی را به قله سبلان در چهاردهم خرداد

اسمال نشان می‌دهد.

هدف " اوج " بالا بردن سطح ورزش کوهنوردی ایران

و گسترش آن در جامعه میباید. پرورش است که دسترسی

به چنین هدفی مستلزم شناخت مشکلات، امکانات،

راه‌حله‌ها و روند گذشته رجال این ورزش است.

از طرفی همه دوستان اران کوهنوردی در این هدف با ما

سهیمند و از طرف دیگر دسترسی به آن، تلاشی همگانی

را طلب می‌کند. از اینرو " اوج " همه کوهنوردان را به یاری

فرامی‌خواند تا بهر صورت که می‌توانند یاریش دهند.

بیشک این شماره " اوج " خالی از اشکال نیست

ولی میباید که گوشه تابه‌تر باشد. هرگونه انتقاد و پیشنهاد

سازنده شما، کمک‌گزارشمند است.



مقالات خود را برای ما بفرستید (البته روی کاغذ ۸۴ و با خط خوانا). مانده‌های نشریات دیگر، اوج درك و اصلاح نوشته‌های رسیده آزاد است و آنها را بازمی‌گرداندولی در صورت درج آنها در بولتن نام نویسنده را خواهد آورد.

برای مانده بنویسید و مسائلی را که در رابطه با ورزش کوهنوردی از هر جهت بنظر تان میرسد مطرح نمائید. " اوج " در هر شماره دست کم گزیده یکی از نامه‌های رسیده را مطرح می‌کند.

بمنظور تامین بخشی از مخارج این بولتن آگهی‌های فروش وسائل کوهنوردی پذیرفته می‌شود. " اوج " هرگونه یاری شما در تامین هزینه‌ها را باسپاس می‌پذیرد.